



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه‌ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - لرامین - انتصابات - آیین نامه‌ها - بخش نامه‌ها - آگهی‌های رسمی و قانونی - سؤالات -

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

۴ شنبه ۱۷ شهریور ماه ۱۳۲۷

میر: سید محمد هاشمی

سال چهارم - شماره ۱۰۲۷

صفحه ۳۴۳۴

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۱۳

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - بقیه صورت مشروح مذاکرات نود و هشتمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۳
- ۲ - تصویرنامه « ۱۳
- ۳ - بخشنامه « ۱۳
- ۴ - اصلاح آیین نامه « ۱۳
- ۵ - آگهی های رسمی « ۱۵

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۹۸

صورت مشروح مجلس روز ۴ شنبه نهم شهریور ماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب:

۱ - بقیه مذاکره در بودجه کل کشور

۲ - تعطیل جلسه بعنوان تنفس

مجلس دو ساعت و چهار دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای رضای حکمت تشکیل گردید

۱ - بقیه مذاکره در بودجه کل کشور

رئیس - چون جلسه بعنوان تنفس تعطیل شده است صورت مجلس نیست بودجه ۱۳۲۷ کل کشور مطرح است. آقای مکرّم .

مکرّم - بنده قبل از آنکه دنباله بیانات خود را بگویم با اجازه مقام ریاست و اجازه آقایان نمایندگان محترم يك تذکر لازم را عرض میکنم، البته روی سخن بنده باچند نفر از آقایان نمایندگان ملت است که یا در جلسات غالباً تشریف نمی آورند و حضور پیدا نمیکنند یا بدون جهت از جلسه خارج می شوند (کشاورز صدر - کی بدون جهت از جلسه خارج می شود) آنهاست که از اکثریت میاندازند مجلس را (یک نفر از نمایندگان - این وظیفه آقای رئیس است نه شما) جناب آقای رئیس دستورات لازم فرمودند تا کسب هم کردند بنده وظیفه دارم بنویس خودم بمقتضای مسئولیتی که درهمه دارم این تذکر را بدهم (صحیح است) برای اینکه اگر آقایان دوسه نفر در جلسه گذشته از جلسه خارج نمی شدند وقت آن جلسه تلف نمی شد (صحیح است) بقول جناب آقای ساعد نماینده محترم که در همان جلسه

از این وضعیت واقعاً ناراحت شده بودند می فرمودند باعث کمال تأسف است که هفتاد و چند نفر در مجلس بنشینند برای خاطر دوسه نفر از آقایانی که بدون جهت از جلسه خارج می شوند مدتها بنشینند بانتظار تا اینکه آقایان بیایند و اکثریت بشود این تذکراتی است که بنده میدهم (بعضی از نمایندگان - بسیار خوب بفرائید) بنده یاهر کدام از آقایان نمایندگان که با اجازه مقام ریاست پشت کرسی خطابه قرار بگیرند بدیهی است تا نطق خودشان را تمام نکنند تربیون راترک نخواهند کرد بنا براین مجلس از اکثریت بیفتد تا تیری ندارد ناطق صبر می کند که مجلس دارای اکثریت بشود و نطق خودش را تمام بکند در هر صورت خواستم عرض بکنم این رویه يك اهانتی است که از طرف بعضی از آقایان بمجلس شورای ملی می شود نه بيك نفر ناطق (صحیح است) عرایض بنده در جلسه گذشته راجع به نیازمندیهای خراسان بود که يك قسمتی را عرض کردم و يك قسمت دیگر باقی مانده قسمتی را که صحبت میکردم روی

احتیاجات بیمارستان دویست تخت خوابی مشهد بود که سال گذشته اقدام شد برای تأسیس بیمارستان و لوازمی هم فرستاده شد ولی فعلاً بیشتر از چهل تخت خواب از دویست تخت خواب دایر نیست دارو و لوازم هم تا حالا فرستاده نشده بهداری استان رئیس ندارد و نداشتن رئیس هم مزید برهات شده است و خلاصه این بیمارستان کاری انجام نمیدهد و دردی دوا نمیکنند مکاتبات زیادی هم از اهالی مشهد رسیده بمجلس هم رسیده به بنده هم نوشته اند (صدر زاده مثل تمام استانها و ولایات) از جناب آقای وزیر محترم بهداری استعفا می کنم با توجه بنامه های استاندار خراسان هر چه زودتر رئیس بهداری استان نهم را معین فرموده فرستند برای ارسال دارو و سایر لوازم هم که مکرر در مکرر تقاضا شده اقدام عاجل و مؤثر بفرمایند. در اینجا لازم و مورد میدانم باستحضار مجلس و وزارت بهداری برسانم کادر شهر مشهد يك قسمت از وظایف وزارت بهداری را جمعی از مردمان خیرخواه مخصوصاً چند نفر از آقایان دکترهای تحصیل کرده و دانشمند خراسانی بعهده گرفته و دامن همت بگمر زده با تأسیس درمانگاه ملی اوقات عزیز و گرانبهای خود را در راه خدمت بخلق و نجات بیماران بی بضاعت و مستمند بر ایگان صرف مینمایند. اخیراً موفق بتأسیس یک درمانگاه مفصلی بنام درمانگاه ملی رازی در مشهد شده اند و قریب دو ماه است که این درمانگاه افتتاح و تحت نظر هیئت مدیره مرکب از

این بقیه مذاکرات مشروح نود و هشتمین جلسه از پانزدهمین دوره قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

هدای پزشکان درجه اول مشهود چند نفر ممتدین
محل مشغول کار شده است این در مانگاه دارای بخش های
امراض خارجی داخلی ، بیماریهای چشم ، بیماریهای
زنانه و قابلگی ، بیماریهای کودکان ، جراحیهای
کوچک و شکسته بندی ، دارالتجربه و یک بخش مهم
معالجات ضد سیفلیس میباشد این بخش اخیر یعنی بخش
معالجات سیفلیسی در مانگاه قریب چهار سال است بهمت
هدای اشخاص خیر خواه خراسانی مخصوصاً آقای
محمد صادق تهرانیان دایر گردیده که شخصاً هم خیلی کمک
کرده باین مؤسسه و از عواید هنرفری پنجریالی از
بیماران هزینه درمانگاه را تأمین میکند و مطابق
احصائیه ای که تا بحال دادند در این مدت متجاوز از شصت هزار
نفر تزریق ضد سیفلیس انجام داده و هزاران نفر را از
خطر مرگ نجات داده است ، در این جا لازم میدانم
از خدمات قابل تقدیس آقایان دکتر های دانشمند
خراسان کدر این امر خیر شرکت فرموده اند مخصوصاً
آقای دکتر سامی راد رئیس بیمارستان شاهرزاشکر
کنم (صحبیح است) و مزید توفیقات آقایان را در
خدمت بهداشت کشور از خداوند متعال مسئلت نمایم
از دولت و مخصوصاً وزارت بهداشتی هم تقاضی میکنم
که برای تشویق آقایان نه تنها اکتفا نکنند بتقدیر
و تشویق آقایان هیئت عامله درمانگاه رازی مشهد
بلکه از مساعده های لازمه باین بشگاه مضایقه فرمایند
لوازمی را که میخواهند برای آنها بفرستند مخصوصاً
در ارسال دستکاه رادیوسکوپی که آقای دکتر سامی راد
برای درمانگاه مزبور از وزارت بهداشتی خواسته اند
بنده هم علاوه بر مکاتبات با وزارت بهداشتی در این خصوص
با جناب آقای وزیر بهداشتی صحبت کرده ام و عه
ارسال آنرا فرمودند ولی تا بحال نفرستاده اند امیدوارم
بفرستند که از این رامسکک مؤثری باین درمانگاه
باشد . عرض کنم مسئله دیگر مسئله اسفالت خیابانهای
شهر مشهد است که متأسفانه در این قسمت هم از سایر
شهرهای کشور عقب مانده است اخیراً بر اثر اقدامات
جناب آقای گلشایبان استاندار استان نهم اقدام
باسفالت کاری بعضی خیابانهای مهم شده و پیشرفت
هم کرده اند ولی وضعیت مشهد طوری است
که این شهر مقدس و زیبا واقعاً همیشه گردر
خاک طوری فضای آنجا را تیره و تار می کند
که مخصوصاً زائرین مشهد هم در زحمتند و هم
ناراضی از آنجا بر میگرددند مشهد عوارضی داشته
است که شهرداری میگرفته که بمصرف اسفالت برسد
این عوارض بجهاتی انوشده عوارض دیگری
پیشنهاد کردند بوزارت کشور که بایستی تصویب نامه
صادر شود واجازه وصول را بدهند هنوز اینکار
را نکرده اند تقاضی میکنم از جناب آقای نخست وزیر
و جناب آقای وزیر معترم کشور که هر چه زودتر
اقدام فرمایند تصویب نامه اخیر عوارض را صادر
بکنند و ابلاغ فرمایند چون استاندار آنجا با
اداره اسفالت مکاتباتی کرده قرار گذاشته اند که یکی
از خیابانهای بزرگ مشهد را از فرودگاه تا خیابان
طهران از محل عواید عوارض بنزین اسفالت کاری
کنند در این قسمت هم اقداماتی شده است عه های بنده
این است زودتر اینکار انجام شود تا مقدمات بهبود
اوضاع اسف آور شهر مشهد فراهم گردد (مکس)
آقای مکرّم اگر وزیر دارائی باشند بهتر است
جناب آقای وزیر کشاورزی مشغول هستند
یادداشت میکنند بنظر آقای وزیر دارائی خواهند

رسانید امیدوارم مورد توجه قرار گیرد و اقدام بکنند)
مطلبی که لازم است با حضور جناب آقای دکتر اقبال
وزیر معترم فرهنگ عرض کنم که تشریف ندارند
ولی عرض میکنم و ایشان هم توجه دارند موضوع
تأسیس دانشگاه مشهد است چون یقین دارم که خود
جناب آقای دکتر اقبال علاقه کامل باین موضوع
داشته و توجه زیادی دارند و میدانم که لایحه قانونی
آنرا بزودی تقدیم مجلس خواهند نمود (صنوی)
در کمیسیون مطرح شده است و تصویب شده است
خیلی اسباب تشکر و امتنان بنده است امیدوارم
در مجلس هم تصویب بشود ولی البته بپرد امسال
نخواهد خورد بنده استمدائی کا از جناب آقای وزیر
فرهنگ و از جناب آقای نخست وزیر دارم این است
که مدرسه طب آنجا یعنی آموزشگاه عالی بهداشتی
مشهد که از هر جهت مستعد و مجهز و آماده است
برای اینکه بصورت دانشکده در آید و بودجه
اضافی هم نیخواهد فعلاً امسال اقدام فرمایند کا از
اول سال تحصیلی مدرسه طب آنجا بصورت
دانشکده در آید این مقدمه ای بشود برای تأسیس
دانشگاه در سال آینده این مدرسه طب در سال
۱۳۱۹ تأسیس و تشکیل شده و فارغ التحصیل های
خوب بیرون داده و در قسمت خراسان هم خدماتی
انجام داده اند بخصوص سال گذشته که تب راجه
خیلی در خراسان قتل و غارت کرد و آقایان نمایندگان
معترم خراسان خوب اطلاع دارند با تصویب دانشگاه
و با موافقت وزارت بهداشتی دانشجویان کلاس درس
خود را تعطیل و با میکروسکوپ و دارو و لوازم و
اسباب رفتند بدهات و واقعاً بهترین نمونه مبارزه را
آنها نشان دادند و خیلی خدمت کردند بنابراین
واقعاً شایسته است برای تشویق آنها هم که شده است
آنجا را امسال بصورت دانشکده طب در بیاورند
مرحوم دکتر حبیبی هم که واقعاً فقدانش یکی از
ضایعات بزرگ علمی و فرهنگی بود برای کشور ما
(صحبیح است) حقیقه خیلی خدمت کردند باین آموزشگاه
عالی بهداشتی یا مدرسه طب ، کراراً ایشان مسافرت
کردند بخراسان و با یک علاقمندی فوق العاده ای
برای پیشرفت و توسعه آنجا زحمت کشیدند بنده
لازم دانستم در اینجا یادآوری بکنم که باین وسیله
واقعاً روح آن مرحوم را شاد کرده باشیم جناب
آقای دکتر معظمی هم یادداشتی در این خصوص
مرقوم فرمودند و یادآوری کردند خیلی بجا بود بنده
مخصوصاً از آقای دکتر معظمی هم تشکر میکنم
که این را یادآوری فرمودند (صحبیح است) مطلب
مهم دیگری که باید عرض کنم موضوع راه آهن
شاهرود بشده است (صحبیح است) که همان طور معلوم
مانده کاری هم انجام نمیشود ولی هم کالان خرج میکند
وزارت راه بقیه بنده مثل این است که از خزانه
مملکت این پول غالباً و همدماً دور میریزند برای اینکه
راهسازی که امسال میکنند هیچگونه استفاده نمیشود
و دو سال دیگر از بین خواهد رفت در بودجه
سال هفده میلیون تومان اعتبار برای ساختمان و
تکمیل خط آهن و نگاهداری خطوط راه آهن که
مربوط بخراسان و آذربایجان است و برای نگاهداری
خطوط راه آهن فعلی منظور شده است مطابق
اطلاعاتی که بنده کسب کرده ام هزینه ساختمان راه آهن

آذربایجان و مشهد یعنی میانه به تبریز و شاهرود
بمشهد در حدود ۲۰۰ میلیون تومان است البته با
کسر بوده ای که داریم نمیشود توقع داشت که
دولت اقدام بکنند این دو بیست میلیون را در ظرف
یکسال ، دو سال تأمین کند و بنده این عملی نیست
از طرفی هم عرض کردم که طرز کار هم باین صورت
بی نتیجه است اطلاعاتیکه بنده پیدا کردم یعنی
شرکت های بزرگ کشور های بیطرف و چند دولت
کوچک از قبیل دولت های سوئد و نروژ این
شرکت ها حاضر هستند با یک معاملات پایایی با
دولت ایران قرار دادهائی ببندند که از مازاد محصول
پنبه و جو و امثال آنها خریداری بکنند و در مقابل
تمام احتیاجات راه آهن را از قبیل ریل و لکوموتیو
و غیره بدهند و از محصول امسال هم چیزی نمیخواهند
حتی حاضرند برای توسعه سطح کشت پنبه و جو
و سایر محصولات کمک هائی بکنند یعنی بزاره
مساعده بدهند بذر بدهند تعلیمات زراعتی بدهند و
و این کارها را بکنند بقیه بنده وزارت راه شایسته
است اقدامات مؤثری بکنند تا تبریک مساعی وزارت
اقتصاد ملی با معاملات پایایی (تهاتری) یک قراردادی
ببندند مثل این که در گذشته داشتیم استفاده بکنیم
مثلاً ما الان یک مهندسی داریم در وزارت راه
مهندس کایزر و یک مهندس هالیقهائی است که خدمت
کرده و کار کرده و در حدود اطلاعاتی که دارم ماهی
در حدود هیجده هزار تومان حقوق باین مهندس
داده میشود در صورتی که از وجود ایشان استفاده
نمیشود برای این کاری انجام نمیشود در راه آهن
در هر صورت بنده بنام دو میلیون جمعیت خراسان
از دولت جناب آقای وزیر تقاضی و استمداء میکنم
بذل توجه فرمایند که در یک مدت کوتاهی راه آهن
شاهرود بشده عملی شود یعنی ساختمان آن جداً
شروع شود و بیک حائی منتهی شود (صحبیح است)
و نتیجه اش را هم باستحضار مجلس شورای ملی
برسانند (صحبیح است) یکی دیگر از مسائل مهم
کارهای صنعتی خراسان است که سالهاست از نظر
توجه دولت دور مانده است و از آن جمله مسئله
قالی بافی است البته آقایان اطلاع دارند قالی بافی
خراسان یکی از کارهای صنعتی بسیار مهم
بود و در گذشته سالی شاید در حدود چندین میلیون
لیره از خارج برای فروش قالیهای خراسان بشکست
ما وارد میشد و حالا چند سال است این صنعت ملی
رو با انحطاط گذاشته و طوری شده است که شه هزار
دستگاه قالی بافی که در مشهد دایر بود امروز تقریباً
بسیار دستکاه رسیده است حساب فرمایند آقایان این
شه هزار دستگاه قالی بافی اگر برای هر دستگاه پنج نفر
کارگر فرض کنیم سی هزار کارگر می شود و اگر برای
هر کدام از اینها دوسه نفر عائله تصور کنیم متجاوز
از هفتاد هزار نفر و شاید صد هزار نفر کارگر باشند
که از این راه اعاشه میگردند و کمک میگردند
بتوسعه این صنعت مهم و صادرات کشور مطابق یک
تلگراف شکایتی که به بنده رسید و بچند نفر از
آقایان نمایندگان معترم که بنده قرائت میکنم
شرکت فرش دولتی که در مشهد دستگاههایی دارند
بجای اینکه اقدامی بکنند و توسعه بدهند آن
دستگاهها را اقدام کرده اند که تعطیل بکنند و کارخانها
را ببندند بنده این تلگراف یکی از کارخانها را

میخوانم تهران جناب آقای نخست وزیر رونوشت
مشهد آقایان حائری زاده رحیمیان اسدی مهراپیران
اطلاعات فرش رونوشت مشهد جناب آقای استاندار
آقایان امیر تیمور مکرّم فرش در این موقع که آنجناب
با صدور بخشنامه برای رفاه حال رنجبران تبدیل
مناقص کارخانه ها توسعه کشاورزی و اصلاح زندگی
عمومی دستورها میفید صادر میفرمایند شرکت فرش
با تعطیل دستگاههای بافتندگی خود موجبات بیکاری
و بیچارگی صد هائفرافراهم بنمایند در صورت ادامه
دستور شرکت قریباً سیصد نفر که باهائله خود هزار
نفرند بر بیکاران مشهد افزوده خواهد شد استمداء
صدور دستور بر قراری دستگاهها و منق تعطیل
کارخانه ها را بمناسبت از طرف سکارگران کارخانه
عرفانیان شاه محمودی علاوه بنده این چند روز اخیر
در روزنامه ستاره یک مقاله ای دیدم که خیلی جالب
توجه بود و البته از نظر اهمیت مطلب سرمقاله هم
فرار داده بود یک کسی در اطراف صادرات مخصوصاً
فرش این مقاله را نوشته بود و مطالبش هم خیلی
خوب و جالب توجه بود و بنده آنچه را که لازم
میدانم در اینجا عرض کنم این بود که نوشته است
دولت سوئد از ورود فرش ایران بشکست سوئد
جلوگیری کرده است (صحبیح است) و مخصوصاً نوشته
است که دولت هم هیچگونه عکس العملی نشان نداده
در مقابل این اقدام بنده میخواستم عرض کنم که اگر
چنین مطلبی صحیح باشد دولت سوئد یا هر دولت
دیگری صادرات کشور ما را بشکست خودش منع بکند
که وارد نشود از قبیل فرش و چیزهای دیگری ما چه
الزامی داریم که مثلاً اینهمه رادیو از کشور سوئد
وارد بکنیم البته دولت باید اقدام بکنند و توجه بکنند
با این قسمت را اصلاح بکنند بالا اقل از واردات این
کشورها هم جلوگیری بکنند (صحبیح است) بهر صورت
استمداء میکنم دولت اقدام کند از تعطیل کارخانهای
شرکت فرش در خراسان جلوگیری شود مطلب دیگری
که باید عرض کنم موضوع شرکتی است که سال گذشته
در مشهد برای تأسیس کارخانه سیمان تشکیل شده
در این شرکت در حدود یک میلیون تومان صاحبان
سهام بابت اقساط اولیه پرداخته اند که در بانک ملی
موجود است و از سال گذشته تا حالا برای گرفتن
ارز معطلند و چون اطلاع پیدا کردم و جناب آقای
نخست وزیر هم فرمودند دو سه روز قبل که بزودی
ارز داده خواهد شد برای ورود کارخانه های صنعتی
و تولیدی بنابراین بختی در این خصوص نیکنم و
اطمینان دارم همینطور که ایشان فرمودند اقدام
خواهند کرد منتهی این مطلب را بایستی
یادآوری بکنم که کارخانه سیمان اهمیتش از
سایر کارخانجات شاید در مملکت ما بیشتر باشد
(صحبیح است) برای اینکه تنها راه آهن دولتی
در سال ۵۰ هزار تن سیمان احتیاج دارد و از این
مقدار کارخانه سیمان دولتی در حدود ۶ الی ۷ هزار
تن میتواند برای کارهای راه آهن کمک بکند بقیه
مجبورند از خارج وارد کنند که اینکار اخیراً سه
هزار تن وزارت راه از دولت اتحاد جماهیر شوروی
خریده اند ۶۰۵ هزار تن دیگر هم مشغول مذاکره
هستند که باز بخرند در هر صورت امیدوارم در این
قسمت دولت توجه فرمایند البته بنام کارخانجاتی

که میبایست وارد بکنند بشکست که بشود بخصوص
برای این کارخانه سیمان مشهد یکی دیگر از مسائل
مهم اقتصادی موضوع دو کارخانه فنداست که سال
گذشته دولت از کبانی اشکودا خریداری کرده
طبق تصویب نامه شورای عالی بانک و تصمیم دولت
قرار بود که یکی از این کارخانه ها بخراسان فرستاده
شود و یکی بآذربایجان (صحبیح است) (رضوی
شیرازی - صحبیح است آقا) اجازه فرمایند بنده
حرفم را بزنم هر جایش که صحیح نبود بعد توضیح
می دهم (صدرزاده - از همین جایش صحیح نبود)
عرض تمام نشده است عرض میکنم که مطلب کاملاً
صحیح است و یکی از این کارخانجات عرض کردم طبق
تصویب نامه شورای عالی بانک صنعتی ... (حرب
شیبانی - برای فسا) ... برای خراسان تعیین
شده است (صدرزاده - برای فسا تعیین شده است)
(حائقی - آقا این جایش توی مجلس نیست)
(اسدی - اول برای خراسان خریداری شده است)
(زنک رئیس) استمداء میکنم توجه فرمایند
(باتمانتلیج - هر دو تارا آذربایجان بفرستید که
دعوا نباشد) بنده نه تنها مخالف نیستم که کارخانه
قند بفسا فرستاده شود کاملاً هم موافقم بلکه آرزو
میکنم که برای فسا عوض یک کارخانه دو کارخانه
بفرستند (احسنت) بسیار نقاط کشور هم که احتیاج
دارند بآنجا هم بفرستند (صحبیح است) حالا بنده
توضیح میدهم این کارخانه برای خراسان خریداری
شده است اگر جناب آقای اسدی هم تصدیقشان را
از نظر نمایندگی خراسان قبول فرمایند از نظر
مدیر کل بانک ایشان واردند (اسدی - من توضیح
عرض میکنم) ایشان مدیر عامل بانک صنعتی بودند
اطلاع دارند نمایندگان ما در این معامله بوده اند حالا خودشان
هم توضیح فرمایند من استمداء میکنم جناب آقای
نخست وزیر که در آن موقع خودشان وزیر دارائی
بودند و رئیس شورای عالی بانک صنعتی هم بودند
بسوابق مراجعه فرمایند یک مطلبی هست که جزء
بدهیهاست استحقاق اقتصادی را که زیر پا نباید گذاشت
آقایان نمایندگان فارس هم البته بایستی مراقبت
فرمایند که یک کارخانه ای هر کجا که مصلحت است
(صنوی - تصویب نامه صادر شده برایش این کار
تمام شده است) (صدرزاده - فارس هم کارخانه
قند برایش زیاد است؟) (زنک رئیس)
عرض کردم بنده آرزو میکردم که کارخانه قند به
فسا برود ۰۰۰ (دکتر طباطبائی - آقای مکرّم هر کدام
از آنجا که تریاک نمیکارند بفرستند به آنجا) ۰۰
خراسان تریاک نمیکارند این تذکره که آقای دکتر
طباطبائی بنده استفاده میکنم تریاک کاری خراسان
در حدود سال ۳۰ میلیون تومان فروش تریاک
خراسان بوده بدولت بنده از آنچه که قاجاق می شد
از این صرف نظر میکنم یعنی انشاء الله خراسانی ها
قاجاقچی نیستند سی میلیون تومان از بابت فروش
تریاک عاید خراسان میشد حالا بکنی جلوگیری شده
کشت هم نکردند امسال هم تکلیف معلوم نیست
که کشت بکنند یا نکنند بنابراین بیک مطلبی که اینهمه
لطفه وارد شده است باوضاع زراعتی آنجا هر چه
زودتر بایستی نسبت بآن درایت قسمت کمک بشود و
هر چه زودتر تکلیف لایحه منع کشت تریاک معین
شود . عرض کنم که مختصری هم اجازه می خواهم

راجع بعوزه انتخاباتی خودم عرض بکنم . دره گزار
لاحظه اوضاع سیاسی و اقتصادی و استمداء کشاورزی
مخصوصاً موقعیت مرزی یکی از مناطق مهم و قابل
ملاحظه کشاورزی و تقویت سازمانهای دولتی آنجا
تهایت لزوم را دارد متأسفانه بعوزه دره گزار با این
موقعیت و داشتن چند بخش سرحدی از قبیل لطف
آباد و کلات و سرخس که هر کدام کمال اهمیت را
دارد تا دو سه روز قبل بصورت بخش باقی مانده
بود حالا که مطابق تصویب نامه هیئت وزیران
شهرستان شده است (اردلان - اسس - موضوض شده
است) امیدوارم همینطور که اسسش عوض شده توجه
دولت شامل آنجا بشود که سازمانهای آنجا هم توجه
فرمایند مأمورین وزیر معرب فرستاده بشود که
بتوانند مراقبت و توجه بیشتری باوضع آن سامان
داشته باشند . وضعیت بهداشتی حوزه دره گزار هم مثل
اغلب نقاط کشور خوب نیست . رئیس بهداشتی آنجا
دکتر وجوان تحصیل کرده ایست خیلی هم زحمت
میکشد لکن به تنهایی نمیتواند از عهده مراجعات
مرضای شهر بر آید تاچه رسد بدهات و نقاط دور دست
که بهعالجه آنها بپردازد . قبل از سال ۱۳۲۰ برای
اینکه کمک مؤثری به بهداشتی آنجا باشد اقدام
بساختمان یک بیمارستان ۲۰ تختخوابی شده و اسکلت
بیمارستان هم ساخته شده ولی تمام آن مخارج سنگینی
دارد و در بودجه کشور آنچه که بنده دیدم عملی نیست
که بشود توقع داشت که ساختمان بیمارستان آنجا را
دولت اقدام و تمام بکند ناچاراً از بشگاه اهلی حضرت
همایون شاهنشاهی استمداء کردم و بررضه ای حضورشان
عرض شده کدره گزار هم مثل سایر نقاط کشور مشغول
هنایات و عطایای ملوکانه قرار بدهند و مقرر فرمایند
ساختمان بیمارستان آنجا هم از محل عطایای شاهانه
تکمیل بشود و همینطور ساختمان دبیرستان آنجا از
این راه تکمیل شود سال گذشته از طرف وزارت
بهداری اقدام شد یک بیمارستان ده تختخوابی در آنجا
تأسیس بکنند در بودجه هم اعتبارش تأمین شده و
تصویب شد و اناتیه اش را هم فرستادند ولی بعد در
کابینه سابق موضوع مسکوت ماند و اقدامی نشد
چون اخیراً با جناب آقای وزیر بهداشتی مذاکره و
مکاتبه کرده ام و قول داده اند که در ظرف همین چند
روز نواقص بیمارستان آنجا را رفع بکنند و اناتیه ای
که لازم است بفرستند و بیمارستان را دایر بکنند
اینست که توضیح زیادی نمیدهم فقط یادآوری و
بفرمایند و هر چه زودتر اقدام فرمایند مخصوصاً داروری
۶ ماهه اول سال خراسان را که فرستاده نشده بفرستند
و منجمله به درگز هم فرستاده شود در سرخس و
کلات که آنجا هم از مناطق مرزی است و خیلی اهمیت
دارد بهداشتی وجود ندارد با یک فاصله کوچکی که
بین آنها و دیگران هست در آنطرف مرز تمام
وسایل بهداشتی و اسایش فراهم است و اینطرف
ما هیچ نیست برای اینکه چون در بودجه عملی نیست
ناچار باید از مقام بر است عالی سازمان شاهنشاهی خدمات
احتمالی استمداء میکنم مقرر فرمایند که دو درمانگاه
برای این دو محل تأسیس بشود و جان هزاران
نفر رهایی فقیر و زحمتکش این دو منطقه دور
افتاده مرزی را حفظ فرموده بر دعا گویند واقعی
خاندان سلطنتی بفرمایند . قسمت دیگر فرهنگ درگز
است که خیلی رضایت بخش نیست اگر آمار دانش

آموزان در گزرا بگریزم و مقایسه بکنیم با سایر شهرستان ها می بینیم تعدادشان خیلی بیشتر است در امتحانات هم قبول شدگانشان بیش از سایر شهرستانها است البته این مرسوم روح فرهنگ دوستی اهالی آنجا است و همینطور مرسوم زحمت و مراقبت های آقای فیوضات رئیس فرهنگ استان هم است که شخصاً تمام این نقاط مسافرت و مراقبت میکنند اما بودجه فرهنگ در گز را باید هر ض کتب کافی نیست بخصوص حالا که بصورت شهرستان در آمده باید از جناب آقای دکتر اقبال وزیر فرهنگ خواهش بکنم که توجه بفرمایند و یک بودجه کافی برای آنجا منظور بشود. بعضی از مسائل مهم مربوط به گز که در برنامه ۷ ساله کشور هم منظور است موضوع سد در ونگر در گز است قبل از سال ۱۳۲۰ هیئت های مهندسی با امر اهلی حضرت شاه فقید فرستاده شدند آنها مطالعاتی کردند نقشه بر داشتند پروژه ساختمان را تهیه کردند ، مخارج آنها در نظر گرفته نشد تا سافانه بجوای شهر یور ۱۳۲۰ برخورد و این کار هم مثل هزاران کار مفید دیگری که در دست اقدام بود بهیم ماند و اقدامی برای آن نشد در این خصوص بنده مکاتباتی با وزارت کشاورزی کرده ام و جریان امر را عرض اهلی حضرت همایون شاهنشاهی هم رسانیده ام چون یک قسمت مهم از املاک در گز موقوفه آستان قدس رضوی است شایسته است جناب آقای بدر نایب التولیه آستان قدس اقدام بفرمایند در این موقع که یک هیئتی برای تهیه برنامه عمرانی املاک آستان قدس حسب الامر ملوکانه بشهد رفته اند نسبت باین موضوع مهم توجهی فرموده ترتیبی اتخاذ فرمایند که هر چه زودتر مسئله ساختن سد در ونگر عملی و موجبات عمران آبادی این منطقه با استعداد فراهم شود و این یک خدمت بزرگی است راجع براههای شوسه در گز و سرخس و کلات که از لحاظ ارتباط این مناطق مهم مرزی با مرکز استان کمال اهمیت را دارد با وزارت راه و اداره راه خراسان مکاتبات و مذاکرات مفصلی کرده ام و امیدوارم در این زمینه اقدامات عملی بکنند و فعلاً از توضیحاتی که لازم است صرف نظر میکنم برای اینکه آقایان را بیش از این خسته نکرده باشم و تصدیق ندمم بر ارضم خانه میدهم فقط استمهالیم اینست که نسبت بمطالبی که بنده این جا عرض کردم یا مطالبی که سایر آقایان نمایندگان راجع بشهرستانها و استانها صحبت میکنند دولت توجه بکنند که بکار بسته شود (صحیح است) بعقیده بنده شایسته است که جناب آقای نخست وزیر دستور مؤکد بفرمایند بوزارتخانه ها که هر وزارتخانه ای از بهن مأمورین مجرب و با اطلاع خود سه چهار نفر را بمنوان هیئت مشاوره انتخاب بکنند که این اشخاص کارشان این باشد مذاکرات مشروع مجلس شورای ملی را بگیرند و مطالعه کنند و ببینند که تقاضای نمایندگان راجع بکار های کشور چیست و روی آن اقدام بکنند و نتیجه اقدامشان را عرض مجلس شورای ملی برسانند تا از این راه نتیجه ای گرفته شود .

رضوی - بنده باستاد ماده ۱۰۹ اختصار نظامنامه ای دارم .
رئیس - در چه قسمت است شما توهینی نشده است .

رضوی - بنده يك توضیحی دارم .
رئیس - نوبت شما نیست ، آقای حائری زاده بفرمائید .

حائری زاده - بنده چون حافظه زیادی ندارم از روزیکه اسم نویسی کردم تا روزی که بودجه مطرح شده جمله های کوچکی را کدر بودجه بنظم رسید یادداشت کردم و این یادداشت ها را بعرض مجلس شورای ملی میرسانم بعد هر وقت لازم شد در اطرافش توضیح بدهم توضیح می دهم ، بعضی از وظائف مهم نمایندگان نظارت در دخل و خرج مملکت است ولی حق ندارند خرج اضافی پیشنهاد نمایند ، حتی این پیشنهادهای یکدوازدهم که معمول شده است مخالف اصول است و ۱ وظیفه مجلس شورای ملی خارج است مگر در مواردی که دولت بودجه کل را پیشنهاد نموده و مجلس نتواند بسرعت رسیدگی کرده تعیین تکلیف نماید ، ممکن است پیشنهاد بشود و مانعی نداشته باشد عمل بودجه مملکت مثل عمل دخل و خرج يك تجارتخانه است باید اول حساب گذشته روشن باشد و لایحه تفریح بودجه تقدیم مجلس شود و نمایندگان از خرج حقیقی مطلع شده تشخیص مخارج زاید را داده تا اینکه مجلس اجازه خرج جدید را برای سال بعد بدهد من این نظر را دارم ، يك دفعه مرحوم فروغی يك لایحه تفریح بودجه ای بمجلس آورد و آنهم در چه کمیسیونی دفن شد و مطرح نشد معلوم نیست ، دولت های ما فراموش میکنند وظایف خودشان را در صورتی که تصویب خرج امسال برای این است که ما بدانیم در سال پیش چقدر خرج کردیم چقدر موجودی داریم تا بتوانیم بودجه امسال را تصویب کنیم مع التأسف این ترتیب و رویه ای کدر تمام حکومت های شوروی هست در ایران عملاً متروک شده و آقایان وزراء وظیفه خودشان را نمیدانند ، لایحه تفریح بودجه را بمجلس نیاوردند و کم کم مجلس هم فراموش میکند مطالعه نیکند و ما نمایانیم چند لیارد مقروض هستیم بیابان خودمان که آن بانک هم از جیب مردم بیرون آورده است ، بدینخانه تمام اصول فراموش شده و باید از الفبای مشروطیت شروع نماییم این مملکت خراب شده دست چایلو سها و متعلقین است (صحیح است) و اگر اشخاص مفیدی در رأس مملکت بوده این طبقه مضر متعلق و چایلو س آن ها را از راه راست منحرف کرده و برای يك دستمال فیصربه را آتش زده و بر سر مراد خود سوز شده اند همین دوره بیست ساله گذشته را که هنوز فراموش نشده و اکثر ها و عوامل آن دوره هنوز مصدر کار میباشند و ما با عوامل دیکتاتوری میل داریم مملکت دموکراسی را اداره نماییم باید طرف توجه و مطالعه قرار دهیم و عیب را تشخیص داده در مقام علاج باشیم . شاه سابق یک نفر شخص عوام بود ولی دارای هوش و استعداد زیاد و میل داشت در زمان سلطنت او در این مملکت اصلاحاتی بشود ، خود من حاضر بودم با وزرای خود که آن موقع تصور میکردیم بیوزرتاش و چند نفر دیگر عضو دولت بودند میگفت که من چون نظامی بودم وزارت جنگ را تکان دادم و اصلاحاتی نمودم شما ها هر کدام در قسمت خود لازم است فعالیت کرده اقداماتی بنمایید ولی آن اشخاص متعلق و چایلو س بر سر قله های عوام فریب

و دور کردن اصلاح طلبان از اطراف شاه سابق از قدرت و نیروی شاه سوه استفاده کرده برای رسیدن بمقام بالاتر از هیچگونه جنایتی صرف نظر نکرده و کردند آنچه کردند (صحیح است) با آنکه شاه سابق منسوبین خود را منع کرده بود در ادارات دولتی دخالت نکرده و حتی از توصیه کردن معروف ساخته بود ولی وزرای وقت برای تملق و چاپلوسی يك شبه تمیز را که مرکب بود از آقای بامداد بازرگ فعلی در بانک ملی و مرحومین حاجی شرف الملك فلسفی و میرزا عبدالرحیم خان رهنما که هر سه نفر در این مملکت معروف میباشند و محتاج نیست من آنها را معرفی نمایم این شبهه را محل ساختن یعنی برای خوش آمدن يك نفر از زندهای درباری آقایان را از کار خارج ساختند ، پرونده آنان را ملاحظه بفرمائید آن وزیر متعلق و چایلو س که بوده و با حکام يك ماه اخیر آن شبهه مراجعه نمایند تا معلوم شود برای چه عملی آقایان را منتظر خدمت ساختند و يك شبه تمیز را منحل ساختند ، همان متعلقین و چایلو سها امروز در جریان کارهای عمومی میباشند فوری لباس را عوض کرده در دوره دموکراسی گردیده ، آقایان با اسباب و ادوات دوره استبداد نمیتوان حکومت مشروطه را اداره کرد آقایان ، این مطالب را برای انجام وظیفه و ضبط در تاریخ میگویم همین امروز اشخاص متعلق دوره رضا خانی اطراف این شاه را گرفته اند اگر چه من با ایشان تماس ندارم ولی میشنوم شاه دارای احساسات خوب است ولی وقتی اشخاص زیادی بيك جوان بگویند شما باید مثل پدر خود در ایران حکومت کنید در صورتی که شاه فقط حق سلطنت دارد نه حکومت و حکومت مشروطه و دموکراسی با ملت است و مجلسی که از طرف ملت انتخاب شده باشد حق حکومت بر تمام مقدرات مملکت را دارد ، این مجلس شورای ملی ایران در عمل سلطنت يك خانواده دوست ساله را لغو نمود اگر چه در قانون اساسی چنین حقی بمجلس شورای ملی داده نشده است ولی سابقه عمل داریم و ما ها که بنام نمایندگان و مبعوثین ملت در این نقطه اساع نموده و بنام ملت دخالت در امور داریم باید بوظیفه خود عمل کرده آنچه مصالح مملکت است در نظر گرفته تشکیلات غیر مفید را منحل کرده اقدام در تأسیسات مفید بنماییم بنده عقیده دارم در تمام تشکیلات مملکتی باید تجدید نظر شود و تشکیلات متناسب با احتیاجات داده شود . اول در قانون انتخابات باید تجدید نظر بشود و ما باید اول از خودمان شروع کنیم ، طبق قانون اساسی کمفقدترین کتاب است در نزد ما بعد از کتب آسمانی و کلمات مصومین ملت ایران باید خود در مقدرات خود بوسیله نمایندگان و مبعوثین خود دخالت نماید و علاوه بر مجلس شورایی در قانون اساسی انجمن های ایالتی و ولایتی پیش بینی شده است و در ادوار مختلف مشروطیت قبل از جنگ اول و بعد از جنگ کدر مدت حکومت بیست ساله امتحان متمدد شد اختیارات انجمن ها زیاد و کم شد ، در دوره محمدعلی میرزایس از انحلال مجلس شورایی انجمنهای ایالتی و ولایتی قائم مقام مجلس مؤسسان گردید و عاقبت متجربخلع محمدعلی میرزا و تغییر چند اصل

از اصول قانون اساسی شد . بنده ما مرکز در مقام کوتاه کردن دست انجمن های نامبرده بر آمد تا کار بجائی کشید که اسم انجمن های ایالتی و ولایتی که در قانون اساسی فصل مخصوصی دارد برده نشد ، اصل نود در تمام ممالک محروسه انجمن های ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوصی مرتب می شود و قوانین اساسی آن انجمن ها از اینقرار است :

اصل نود و یکم - اعضای انجمن های ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب می شوند مطابق نظامنامه انجمن های ایالتی و ولایتی .

اصل نود و دوم - انجمن های ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرر ... این اصل را بیبینه مورد توجه قرار بدهید .

اصل نود و سوم - صورت خرج دخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمن های ایالتی و ولایتی طبع و نشر می شود . اسمش از قاموس حکومت فعلی ما محو شده است حتی حق انتخاب انجمن های شهری از مردم گرفته شد فقط حق تعیین کاندید با اهالی شهرها داده شد . در این انتخابات شهرداری ها مردم وکیل انتخاب نمیکند مردم يك عمده را کاندید میکنند وزارت کشور از این کاندیدها چند نفر را معلوم میکند در دوره دموکراسی گردیده ، آقایان با اسباب و ادوات دوره استبداد نمیتوان حکومت مشروطه را اداره کرد آقایان ، این مطالب را برای انجام وظیفه و ضبط در تاریخ میگویم همین امروز اشخاص متعلق دوره رضا خانی اطراف این شاه را گرفته اند اگر چه من با ایشان تماس ندارم ولی میشنوم شاه دارای احساسات خوب است ولی وقتی اشخاص زیادی بيك جوان بگویند شما باید مثل پدر خود در ایران حکومت کنید در صورتی که شاه فقط حق سلطنت دارد نه حکومت و حکومت مشروطه و دموکراسی با ملت است و مجلسی که از طرف ملت انتخاب شده باشد حق حکومت بر تمام مقدرات مملکت را دارد ، این مجلس شورای ملی ایران در عمل سلطنت يك خانواده دوست ساله را لغو نمود اگر چه در قانون اساسی چنین حقی بمجلس شورای ملی داده نشده است ولی سابقه عمل داریم و ما ها که بنام نمایندگان و مبعوثین ملت در این نقطه اساع نموده و بنام ملت دخالت در امور داریم باید بوظیفه خود عمل کرده آنچه مصالح مملکت است در نظر گرفته تشکیلات غیر مفید را منحل کرده اقدام در تأسیسات مفید بنماییم بنده عقیده دارم در تمام تشکیلات مملکتی باید تجدید نظر شود و تشکیلات متناسب با احتیاجات داده شود . اول در قانون انتخابات باید تجدید نظر بشود و ما باید اول از خودمان شروع کنیم ، طبق قانون اساسی کمفقدترین کتاب است در نزد ما بعد از کتب آسمانی و کلمات مصومین ملت ایران باید خود در مقدرات خود بوسیله نمایندگان و مبعوثین خود دخالت نماید و علاوه بر مجلس شورایی در قانون اساسی انجمن های ایالتی و ولایتی پیش بینی شده است و در ادوار مختلف مشروطیت قبل از جنگ اول و بعد از جنگ کدر مدت حکومت بیست ساله امتحان متمدد شد اختیارات انجمن ها زیاد و کم شد ، در دوره محمدعلی میرزایس از انحلال مجلس شورایی انجمنهای ایالتی و ولایتی قائم مقام مجلس مؤسسان گردید و عاقبت متجربخلع محمدعلی میرزا و تغییر چند اصل

دموکراسی در ایران فراهم گردد . بدیهی است باید رای دهنده بفهمد معنی انتخاب را و حق دخالت در عمل حکومت و این ترتیب که امروز معمول است که در موقع انتخابات ما مالکین یا کدخدای مأمورین ژاندارمری مأمورین شهرانی در بعضی محله ها اهالی را از کسب و کار برخلاف اراده و میل خود برای شرکت در انتخابات در جلو صندوق حاضر میازند متروک گردد و ملت ایران با کمال آزادی خود عامه از زن و مرد حق دخالت در حکومت را بفهمند شرکت در انتخاب داشته باشند ، آیا خانهای تحصیل کرده که غیر مستقیم در امر حکومت دخالت دارند محروم از شرکت در امر انتخاب باشند و فلاچویان ده بیبیزد کاسم مدرسه را نشنیده و نمیدانند اصول دموکراسی برای چیست و از دیدن مأمور دولت کوه بکوه فرار میکنند برخلاف اراده خود جلوی صندوق رای حاضر شده شرکت در انتخابات نمایند (صحیح است) بعقیده من باید تمام افراد ملت ایران که می فهمند میتوانند رای خود را خود بنویسند حق شرکت در امر حکومت را دارند و بوسیله کارت انتخاباتی ذبحی شناخته شده و کسانی که ۶ ماه قبل کارت صلاحیت تحصیل کرده فقط در حوزه خود حق شرکت در انتخاب داشته باشند و این هرج و مرج در عمل انتخاب که میراث دوره بیست ساله می باشد خاتمه باید ، آقایان این اصلاح در عمل انتخاب واجب است ، اگر خود ما ها ، اگر چه بضیر اقلب ماها خواهد بود اقدام نکنیم روزی با انقلاب چپور خواهیم شد رویه خود را عوض کنیم . در دنای امروز که مقدمات برداشتن حد وسد ها فراهم شده و خواهی نخواهی باید اصولی که آسایش مردم را تأمین کند حکم فرما باشد این رویه خواب خرگوشی و اقفال و تقلب و تزویر در عمل انتخاب معنی ندارد باید ملت حکومت کنند نه چند نفر سرمایه دار و مالک ، این مملکت هزاری یک نفر سرمایه دار و مالکین مهم بیشتر ندارد مابقی یا زارع یا کارگر یا دارای سرمایه های کوچک و خورده میباشند که باید با کمال همت نان خود و عیال خود را فراهم سازند فقط هزاری یک نفر در بهشت آزادی هستند و مابقی محروم از تمام نعمت های خدا داد ، آیا در این مجلس از نمایندگان آن ۹۹۹ نفر چند نفر داریم . آقایان باید این اوضاع هرج و مرج کلا و جزاً خاتمه یابد اگر خود ما خاتمه ندهیم روزگار خاتمه خواهد داد ، اما چگونه خاتمه خواهد داد معلوم نیست پس از اصلاح اساسی حکومت ملی که انتخابات است باید وارد عمل تشکیلات مملکتی شد بدیهی است همه از این تشکیلات که غیر از مزاحمت و سرگردانی برای مردم نتیجه دیگری ندارد و ناراضی میباشند (صحیح است) البته باید تناسب بین تشکیلات باشد و يك نفر نقاش صورت انسان را اگر رسم کند اول تناسب را باید رعایت کند هیکل ده متری یا پنج سانتی متری ، اول باید تناسب رعایت شود نمی توان دست را دو متر قرار داد و سر را يك متر ، باید تناسب در تشکیلات مملکتی باشد معنی ندارد (بودجه وزارت جنگ در حدود يك ربع بودجه کل مملکتی میباشد بعلاوه استقراض از امریکا و خرید اسلحه بعلاوه بودجه ژاندارمری و شهرانی و بودجه بهاداری يك سی و

سوم و دادگستری صد يك و نیم کمتر از بهاداری آقایان اگر بودجه قوای مسلح را جمعاً از وزارت جنگ و ژاندار مری و شهرانی با خرید اسلحه حساب کنیم نصف بودجه مملکتی بمصرف قوای مسلح رسیده است که در بدن مملکت حکم مشت را دارد و حقیقه تشخیص حق و باطل و وسیله عدالت را باید فراهم بکنند ، این تشکیلات غلط است خود صدر اعظم فعلی یا جناب وزیر موفعی که در کابینه چهار سال قبل جناب حکیمی عضو بوده است لایحه تناسب را با اینکه غیر متناسب بوده تقدیم مجلس شورای ملی نموده است و در این مجلس طرحی که قابل توجه کمیسیون مبتکرات شد نیز تقدیم کمیسیون بودجه شد ، چرا نباید اوضاع مملکت و دنیا را در نظر گرفت و فقط تقلید از مرسوم منحوس بیست ساله با مطامع امروزه منبای عمل قرار داد ، آقایان دولت ایران در سایه عدالت اجتماعی اگر در دنیا برقرار شود میتواند راحت زندگانی نماید با قوه مسلح نمی توان عدالت را تحویل بمالک دیگر نمایم در این دستگاه قشون و ژاندار مری و شهرانی افراد خوب هستند ولی دستگاه متناسب با حیات اجتماعی این مملکت نیست و باید قوانین و مقررات مطابق مصالح و میل جامعه باشد و باید مأمورین حسن عقیده و حسن نظر در موقع اجرا داشته باشند ، البته بدون قوه مسلح نظامی قوانین اجرا میشود و ملت ایران هم باقی نیست و همیشه میل دارد اوامر قانون را در حدود قدرت و استطاعت عمل نماید ولی مأمورین فاسد و تشکیلات غلط عامه را مجبور به طغیان میسازد ، شما در این مملکت ظل تمام طغیان ها را اگر نفی نماید در نتیجه سوء رفتار و اعمال غرض خصوصی مأمورین بوده و ابداً مردم این مملکت روح طغیان نداشته و ندارند ، ما باید بودجه مدارس ، فرهنگ ، دادگستری ، دستگاه آبادی را زیاد کنیم اگر دست خارجی در ایران خیال آشوب و فساد کرد همین مردم رفع خواهند کرد ، آقایان واقعه آذربایجان (موجبات را مأمورین فاسد و دست های خیانت داخلی و خارجی فراهم ساختند) ولی دفع اشرار را خود اهالی آذربایجان کردند و پس از دفع اشرار و فرار آن ها باستقبال قشون آمده قشون را وارد نمودند (کشاورز صدر - آقای حائری زاده قشون هم کمک کرده است ، خدمت کرده است) (دهقان - قشون هم افراد همین مملکت هستند) آقایان خیال میکنند قشون آذربایجان را فتح کرد ، در سایه حکومت نظامی بعضی از افراد غیر صالح در تمام شئون اجتماعی اهالی صلح طلب آذربایجان دخالت مینمایند زنها و بچه ها را بدون رسیدگی و تحقیق فقط محض هوس فلان افسر تبعید کرده اموال مردم را ضبط کرده در صورتی که خود آذربایجانی خائنین و اشرار را دفع نمود و این بهلوانهای روز شنبه سینه خود را جلو داده نصف بودجه مملکت را توقع دارند آقایان در دنیا مالکی که معرفت سیاسی ایران را دارند وجود دارند تناسب بودجه مملکت آنها را در نظر بگیرید و تقلید کنید این تناسب موجود در بودجه فعلی ابداً صحیح نیست همین ترتیب است که سالهاست ملت ایران را بطرف نیستی کشیده ما ها را نابود خواهد کرد ، نباید

با مقدرات يك ملت كه نسیال بازی کردی و برای راحت ساختن احمد و معدود ملت و مملکت را فدا کرد برای مثال عملی که خود انجام داده و موجب اعتراض بعضی از آقایان را در ضمن نطق فراهم ساخته عرض میکنم و عقیده دارم دولت بایست این تشریفات صوری که موجب تضییع حقوق عامه و تفریط و تضییع اسواول عمومی شده بر دارد و با جریان طبیعی که در دنیا معمول است امور مملکت را اداره کند در زمان وزارت مرحوم آهی بن تکلیف شد که اداره امور سرپرستی را عهده دار شوم آنچه اقدام کردم که معاف شوم نشد پس از قبول وارداداره شده دیدم تمام قایل هاییکه دارای صنایع میباشد این اداره طرف میباشد و این اداره ابدأ دفتری که محاسبات صنایع را نگاهداری کند ندارد چند نفر عضو دارد که اغلب آنها ایوان بکار دارند ولی وسیله ندارند و همه روزه اموال نقد صنایع که بوسیله اداره سرپرستی تحویل حسابداری شده است یا میشود باید با جریان اداری که خیلی بطنی است بصرف صنایع برسد و بواسطه نبودن بودجه و دستگاه منظم موجبات شکایت ارباب رجوع فراهم است بنده عضوی را مأمور نمودم که از پرونده های موجود معلوم کند که چه مبلغ از وجوه صنایع را که است پس از مدتی معلوم شد که بیش از يك میلیون و پانصد هزار ریال وجوه صنایع در اداره حسابداری امانت است و را کده اند و ابدأ نظامنامه و مقررات و قوانین حقوقی که طریقه محافظت و نگاهداری و بجزریان گذاشتن وجوه را معلوم کنند وجود ندارد و دولت بضرر نداشتن اعتبار موجبات اصلاح رافراهم نمیسازد و پس از مشورت با تجار و ارباب بصیرت تصمیم گرفتم که بکنفر از تجار را تحویلدار وجوه صنایع قرار داده و او را مکلف سازم که دفتاری بخرج خود برای حساب فرد فرد صنایع نگاهداری نموده و همیشه دفاتر تحت اختیار و بازرسی اداره باشد که وجوه صنایع در موقع حاجت فوری پرداخت شود و از این که در جریان سال ده مقابل این مبلغ در جریان است اجازه داشته باشد در حدود مبلغی از وجوه را معامله بکنم خود نموده و از آن مبلغ نیز سودی برای کمک بنگاه صنایع بی بضاعت منظور دارد و با گرفتن وثیقه در دفتر رسمی این عمل انجام شد پس از مدتی اخوان حجره که طرف معامله بودند حاضر برای ادامه عمل نشده و تحمل این مخارج و دادن سود را بکنم خود تشخیص نداده با دادن منافع اینست عمل را فسخ نمودند ولی من این عمل را با کمک همان محاسبی که اخوان حجره برای اداره اموال صنایع انتخاب نموده بودند ادامه دادم و در موقعی که از اداره سرپرستی نجات یافتم حساب صنایع در آنست در دفتری که دولت مخارج آن را نداده بود منظم تحویل دادم و ملتفی علاوه بر مخارج دفتری برای کمک بنگاه صنایع که تصور میکنم در حدود صد و پنجاه هزار ریال باشد موجود بود علاوه از سایر وجوهی که بتواند و دیده جاری از وزارت دادگستری نزد دولت ب بانک بود و ابدأ سودی نداشتند با تبدیل حساب جاری بودیمه موقت بکمک مرحوم فرزند رئیس بانک و آهی وزیر دادگستری و امیر خسروی که

وزیر دارائی وقت بود برای ما پنج میلیون ریال و دیده جاری که آن را تبدیل بودیمه موقت کردیم مقرر شد سالی ۲۵ هزار تومان برای کمک بنگاه صنایع بدهند و تصور میکنم که هنوز هم این رویه باقی باشد و الساهه بنگاه صنایع در آخر خیابان دوشان تبه موجود است و با کمک خرج هایدات و دایم و غیره اداره میشود و بحد الله يك شاهی از اموال صنایع در معاملات سرفت نشد و سود هم عاید صنایع شد و از وجوه را که نیز سود عاید بنگاه صنایع بی بضاعت شد و عقیده داشتم باید در تمام ایران این عمل جریان داشته باشد و بانکی بنام بانک صنایع تأسیس بشود و معاملاتی بکنم صنایع این مملکت انجام گردد و آقای اخوان حاضر است یکی از افراد قایل ایشان از سرپرستی صنایع استعفا داده بود و مدتی من قبول نمیکردم که اداره سرپرستی در کار آنها دخالت نماید زیرا که طبق قانون قبیله مخصوص اگر باشد اداره حق دخالت ندارد و خیلی مسرورم که در زمان تصدی بنده هیچیک از اعضاء اداره سرپرستی نیز طرف تهمت واقع نشده و در نظر دارم که يك قایل حکیمی بودند که کبار آنها اصرار داشتند که اداره ماترک پدر آنها را همین ترتیب که راجع بعمل صنایع دخالت دارد مشترکاً دخالت کند زیرا از سوخت و خطر محفوظ است حالا این عمل بنده مورد اعتراض بعضی از آقایان شده است که من بهانه برای توضیح این موضوع داشته باشم - هیب ندارد .

من گرفتار مقررات خشک شدم مصالح و منافع عامه را در نظر گرفتم و با مشورت همین مردم این جریان را ایجاد کردم برای مملکت مفید بود این تشریفات اینست که پدر مملکت را در آورده است البته دولت باید مخارج خود را با اجازه مجلس وصول کند ولی آبادی مملکت و راحتی مردم بیشتر باید مورد نظر باشد اول مالیات املاک مزرعهی بقیه این پنجاب باید لغو شود چرا ؟ زیرا زارع و مالک وقتی راحت شد و از شر مأمورین دولت مصون بود بکنم خود و مملکت بیشتر فعالیت خواهد کرد و این گرانی که در نتیجه کم بودن محصول است از بین میرود و بر صادرات مملکت افزوده میشود و از این فقر و بدبختی پس از چند سال که رعیت و مالک راحت شد نجات خواهیم یافت . دولت باید برای کسانی که بر آب زراعتی و اراضی زراعتی افزوده اند جایزه قرار دهد اگر این مملکت از حیث زراعت تقویت شود اغلب امراض اجتماعی از بین میرود (صحیح است) باید دولت قانونی برای حد اقل معیشت و حداکثر مالکیت بگذراند که یک نفر صاحب ۱۰ پارچه آبادی نباشد زیرا که مالک نمی تواند تمام رسیدگی کرده وسیله آبادی را فراهم سازد (صحیح است) و مالکیت باید تاحدی توسعه داشته باشد که مالک بتواند حد اکثر استفاده را از ملک خود نموده وسیله آبادی مملکت شود مالکیت های امثال مرحوم امین نصرت سیه سالار حاج حسین آقا ملک غیر از ضرر برای مملکت نتیجه دیگر نداشته و ندارد (صحیح است) (کشاورز صدر از زنده بفرماید آقا) شاهد خراسان املاک خوب را دست فلان حاج آقا بیکه در طهران پول دارد خواهید دید ولسی تمام خراب بعضی از اجاره نامه ها دیدنی است که بکلی باب پیشرفت و ترقی زارع را مسدود کرده این مالک محترم تخصصش

اینست که نگذارند زارع در این املاک علاوه و آبادی ایجاد بکنند اینست که خراب است خودش هم اینجا نشسته در تهران و اسباب زحمت آنها رافراهم میکند بعضی از اجاره نامه ها دیدنی است که بکلی باب پیشرفت و ترقی زارع را مسدود کرده و فقط در موانع مهم مالکیت این قبیل مالکین بضرر مملکت تمام میشود و مثلا موقع انتخابات با این قبیل مالکیت ها من مخالفم و باید حداکثر مالکیت بوسیله قانونی تشخیص شود و باید سعی کرد حتی الامکان زارع خود مالک ملک شود و باید مالیات و عوارض از اقامت و احشام و محصول زراعتی مطالبه نشود تا مملکت آباد شود این ده یا بیست میلیون تومان قابل نیست بلکه باید این لغو مالیات را بعنوان جایزه بملت ایران داده کد دستگاه تولید تقویت شود و مملکت از این فقر و بدبختی نجات باید . یکی مالیات مستغلات است این مالیات باید از بودجه دولت لغو شود و در عوض عوارض شهری با تصویب انجمن شهری باید برقرار گردد اصناف عوارض بپردازند این ۶۰ و ۷۰ میلیون تومان را باید به شهرداریها داد و از دست مأمورین دارائی باید امانت را نجات داد

من نظر دارم در دوره ششم مجلس بود طریقی را آوردم بمجلس و این مالیاتهای صنفی را لغوش کردم آنروز از تمام ایران صورت خواستم در حدود سصد و چند هزار تومان عایدات خالص دولت بود از این محل حالا بیشتر نیست برای اینکه آنروز قران ما ارزش داشت حالا ارزش ندارد آنروز لیره طلا دو تومان بود و حالا نمیدانم که لیره طلا چقدر است در هر صورت بهمان تناسب فرقی نکرده آن را لغوش کردند یکی دو سال هم اصناف و بازار از دست مأمورین دولت راحت بودند ولی بعد در مرتبه این صورتها بیرون آمده و اینها نتایج حکومت ۲۰ ساله است و فشار بملت قلم ۲۱ در عایدات نوشته شده است عوارض موقت ۱۰ در ۱۰۰ از بهاء سبب کالادای وارده نباید از اجناس طرف حاجت عموم عوارض زیاد گرفت از اتوموبیلهای شخصی و اشیا غیر ضروری ۱۰۰۰ در صد بگیرند من مخالف نیستم ولی از کاغذ ، دوا ، پارچه نفی ، ما کولات طرف حاجت عموم مردم است و اکثر آنها بی بضاعت هستند این عوارض که اضافه میشود از اینها بگیرند قیمتش در بازار خیلی بالا میرود و این زندگانی برای مردم گرانست من باین مخالفم (صحیح است) نباید عوارض گمرکی زیاد گرفت زیرا امور اقتصادی مانند سلسله زنجیر بیکدیگر اتصال دارد اگر زارع و کارگر قند و شکر و قماش و غیره که طرف حاجت او میباشد گران خریداری نماید البته محصول عمل او گران خواهد بود و اجرت زیاد تعلق خواهد گرفت نباید تحمیل بطیقه توده و عامه شود و این قبیل عوارض موجب است بدبختی مملکت را فراهم خواهد ساخت باید زارع خوب بخورد و در مسکن خوب بخواهد و لباس راحت بپوشد و وسیله راحتی داشته باشد که خوب کار کند و خوب تولید کند يك معترضه ای را عرض کنم اینجا ما می آیم روی يك صندلی می نشینیم یکی از رفقای مجلسی بنده در کرسیون دارائی گفت که تو وقتی بیرون بودی مسلکاً رویه دیگری داشتی مجلس که آمدی يك چیز دیگری شدی منم ایشان را تکذیب نمیکند اصول با عمل در این مملکت دو تا هست این

مملکت ایران است . شخصی میگفت بیول فرض دادن يك مالیاتی گذاشته اند يك عوائدی که اینها یول فرض میدهند و گرو میدهند صدی دوازده از آن هایداتی که حاصل میشود در سال مالیات بپردازند يك نفر میگفت ما رفتیم یول می خواستیم فرض بکنیم از فرار صدی هیجده مخارج محضرم من که یول حاجت داشتم خوب بگردن من بود آقای که یول داشت خرج محضرم را نمیداد بدگفت يك صدی دوازده هم علاوه باید بدهی که من بدهم مالیات صدی ۱۸ که من بعنوان ربیع میدادم بصاحب یول يك صدی دوازده هم از این مبلغ دستی از من در محضرت گرفت و گفت که صاحب دفتر مکلف است این یول را بگیرد و بعد بمالیه بدهد صاحب دفتر برایش فرق نمیکند این یول را ملائکه باو بدهد یا شیطان بدهد مدیون بدهد یا دائن بدهد او یولی میخواهد بگیرد و قبض مالیاتش را صادر کند حالا ما خواستیم مالیات بر عایدات وضع بکنیم آن طبقه ای که محتاج بیول است ، مقروض است ، گرفتار است این مالیات را هم من غیر مستقیم باو تحمیل کردم دستگاه اقتصادی مثل ظروف مرتبطه است يك طرف که هرچه آب از آن بردارید طرفهای دیگر بهمان تناسب آب از شان برداشته میشود و اگر آب بریزی روی آن ظرف بهمان تناسب بالا میرود . يك طبقه را باید فشار داد اینها طبقه های هوشیاری هستند - ثروت جمع کردن ، دارائی مردم را بردن ، اینها خیلی مردمان باهوش اند در عین حال که شما يك عوارض برایشان وضع کنید آنها هم يك عوارض بر این عوارض میگذازند اینست که برای من فرق نمیکند اینها همش مضرت بحال مملکت رژیم ما مقتضی نیست که کارگر را مانند روسیه مجبور بکار کنیم بلکه باید اول وسائل آسایش و راحتی زارع و کارگر و عیال و اولاد او فراهم باشد تا بامیل خود کار کند و تشخیص دهد که این کار بکنم او میباشد و عقیده دارم حتی الامکان باید زارع شریک با مالک باشد یعنی علاوه بر حوائج فعلی که باید مرتفع شود باید دسترنج داشته باشد که در زمان بیری و هلت و ناتوانی سرمایه او باشد و پس انداز داشته باشد و نقل مکان از این مملکت بمملکت دیگر نکند و بداند که هرچه بیشتر رنج ببرد نتیجه اگر کجی هست او نصیب دارد مملکت ما حوادث و طوفانهای زیادی دیده و خدای نکرده خواهد دید باید آن زارع علاوه مند باشد به این آب و خاک این خاکی که ما اجاره میدهیم . این درختی که غرس میکنند باو علاوه مند باشند و بداند که بکنم مملکتشان است اگر يك مالکی میل دارد که چیزی بزراع خودش بدهد خدا پدر او را بیامرزد ولی اگر چنانچه حاضر نیست باید ما قانون بگذرانیم در تمام اسنادی که تنظیم میشود حق دسترنج برای زارع قائل بشویم که این زارع خانه بدوش نباشد ، خانه بدوشها از بدبختی خودشان و مملکت و دنیا را بدبخت خواهند کرد این زارع باید خانه داشته باشد ، خانه داشته باشد که علاوه مند باشد باین آب و خاک قسمت دیگر ماده ۲۳ سود سهام دولت در بانکها و شرکت های دولتی است این قلم عایدات اگر بایه این صحیح باشد بهترین عایدات است ولی وارد عمل بانکها شویم اول بانک کشاورزی است آیا مقصود از تأسیس این بانک اینست که از

عایدات قمار مخارج خود را تأمین کند و سرمایه برای کمک بفلاحت نداشته باشد ؟ این بانک برای اینکه ارباب رجوع خود را سرگردان نکند آئین نامه تنظیم کرده است که وثیقه بقیه ۸ سال قبل قبول خواهد کرد . آقایان اگر بانک قرضه را با بهنوی طلا پرداخت میکرد و يك بهنوی طلا صد ریال بود این حرف حسابی بود ولی امروز یول ارزش خود را با این متخصصین وطنی از دست داده و با فشار دولتی ماشین میگردد و این حرفها که اعتبار بانک ناشر اسکناس چنین و چنان است بکشاهی ارزش ندارد من صورت مخارج روزانه خود را دارم و عایدات و مخارج من در دفاتر متفرقه ضبط است در سال ۱۳۰۰ و چند سال بعد کرايه منزل اینجناب بامیل و قالی ماهیانه ۱۵۰ ریال بود سند آن موجود است منزلی گرفتم سرچشمه ۵ اطاق داشت با لوازم دیگر از زیر زمین و انبار و غیره ماهیانه ۹۰ ریال سایر مخارج نیز بهمین تناسب بود اقلاً سی مقابل مخارج زیاد شده است یعنی ارزش یول کم شده است بانک کشاورزی برای این که اسم خود را داشته باشد و آخر ماه حقوق اعضاء خود را بدهد اشکال تراشی برای دادن قرضه میکند زیرا که سرمایه ندارد و همین عمل را بانک رهنی دارد فقط بانک ناشر اسکناس است که سبب صد میلیون ریال سرمایه داشته است تقریباً ۲۰ مقابل سرمایه خود قبلاً از دولت و شهرداریها بیشتر طلب دارد خدا بدهد برکت بانک ناشر اسکناس است الا بانک ناشر اسکناس حق دارد که اینکار را بکنند آن بعضی است جدا گانه و سود تجارتنی را زیاد می گیرد و ابدأ کمک با بانکهای تولیدی ندارد اگر این بانکها برای حقوق دادن با اعضاء تأسیس شده است تعطیل کنید و دستگاه قمار را نیز تعطیل کنید به نفع مملکت است اخلاق عمومی را فاسد میکنند . قمار یکی از مضرات بزرگی که دارد اخلاق جامعه را فاسد میکند ، آنها را از علم و عمل باز میدارد دنبال اوها و خرافات میروند قضاوت کنید بعضی که فلانکس چرا سی هزار تومان برد من نبردم ایجاد می شود . جنایت هائی می شود ... من عقیده دارم با تجربه چند ساله وقت لازم است يك یا چند نفر اشخاص مطلع با موریانکی از ممالک کوچک یا آلمان استخدام کنیم و اداره امور بانکها را تحت نظر يك هیئت مشاور طرف اعتمادی باشخص متخصص بسیاری آقایان من با نداشتن اطلاعات زیاد اقتصادی فقط اطلاعات من در حدود مطالعات کتب اقتصادی و مشاوره با طبقات مختلف بوده در مدت کوتاهی از سرمایه موقت بعضی از صنایع حوزه تهران طبق مقررات اداره سرپرستی تأسیس دستگهی نمودم که بدون کمک دولت دفتر منظمی برای محاسبات صنایع ایجاد شد و خود صنایع و بنگاه صنایع بی بضاعت نیز مستقیماً می شدند و ممکن بود با مشاوره با اشخاص فنی بانکی برای صنایع تأسیس شود که کمک بزرگ بمملکت باشد ولی جای تأسف است که آقایان وزرا غیر از حفظ کرسی خود و ایجاد خرج بیهوده برای مملکت فکری دیگری ندارند و این اساس بانکها که برای اقتصاد مملکت خیلی مفید است ابدأ مورد نظر نیست چرا ؟ برای این که بنده و امثال بنده را راضی سازند با اینکه همه میدانند این آقا که عضو هیئت مدیره می شود اطلاعاتی غیر از قربت با آقایان و سفارش فلان ، سرمایه علمی دیگری و تخصصی ندارد برای نان خانه و ترضیه زید و عمرو

این بانکها مرکز خوبی است آقایان اگر مرضی شوید میدانید که باید به متخصص رجوع نمایم آن دکترا متخصص ایرانی باشد یا غیر ایرانی فرق ندارد هرگز هنوز داده بیسواد خود را برای معالجه دعوت نمی فرمائید چرا در این بانکها که تخصص لازم دارد این معامله می شود آقای وزیر فقط قربت با من و شما کافی است که عضو هیئت مدیره شود ؟ آقایان از اهمیت بانکها غافل نباشید (صحیح است) يك بانک انگلیسی ممالک هندوستان را تسلیم دولت انگلیس کرد . شما با بانکهای داخلی این معامله را دارید قهراً کار بدست بانکهای خارجی خواهد افتاد این بانک شاهنشاهی که ناشر اسکناس بود با اینکه مال ایران نبود در جنگ سابق مقاومت کرد و پول ایران سقوط نکرد و لیره و طلا در بازار ایران ۲۰ ریال بود ولی فعلاً که بحمد الله بانک داریم و خودمان ناشر اسکناس هستیم نرخ لیره در زمان جنگ (کشاورز - صدر - از بانک شاهی تعریف نکنید) او را میگذازم که شما تعریف کنید که طبق قانون عرضه و تقاضا باید خیلی ارزان شود بیل دیگران و بدست متخصصین وطنی رسید با آنجا که بکلی یول ایران ارزش ندارد بانک کشاورزی بواسطه نداشتن سرمایه وثیقه را طبق ارزش ۸ سال قبل مطالبه دارد من برای آبادی اراضی بایری با بانک مذاکره کردم که بخرج بانک حفر چاه شده تمام اراضی با چاه که جدیداً احداث میشود نزد بانک وثیقه باشد و من تعهد میکنم در صورتیکه در مدت چند سال اصل و فرع یول و مخارج بانک را پرداختم مالک ملک مزروعی بشوم ولی بانک طبق مقررات که معنی نداشتن یول بود قبول نکرد و آن اراضی فعلاً در يك فرستگهی تهران بایر است آقایان باید با بانکها کمک کنیم که آنها برای آبادی مملکت ب مردم کمک کنند تا از این فقر و فلاکت نجات بیابیم نه اینکه با قدری از یکطرف و حق السکوت بزیاد و هروداد از طرف دیگر فکر حفظ کرسی خود باشیم بیش از این در این موضوع چه عرض کنم :

در خانه اگر کس است - يك حرف بس است موضوع بیست و ششم عایدات شیلان است ام از شرکت ایران و روس و سایر رودخانه ها این مبلغ ناچیز که نوشته شده است برای گول زدن ملت ایران است آیا خوابار و انواع ماهی ایران از حلال و حرام همین مبلغ ناچیز است من نظر دارم موقع قرارداد ایران و شوروی يك فصل داشت فصل چهاردهم که برای اعاشه روسیه دولت قراردادی با اداره ارزاقی اتحاد جماهیر شوروی راجع بصید ماهی تحت شرایطی منعقد کند آیا ماها که حاضر برای کمک ارزاقی حکومت دوست و مجاور خود بوده و هستیم و هملاً در موقع جنگ و صلح نشان دادیم که با تقصی در ایران از کمک خود دریغ نداشتیم لازم است که این مبلغ ناچیز در بودجه عایدات نوشته شود من عقیده دارم که عایدات خوابار و غیره میتواند تمام مخارج ادارات ایران را بدهد ولسی چون اطلاعات زیادی ندارم در اطراف این موضوع زیاد بحث نخواهم کرد و واگذار به ارباب بصیرت و اطلاع میکنم بطور کلی روشن است که اگر ماها خودمان بدون شرکت روسیه این عمل را عهده دار شویم و این مقدار ماهی که فعلاً حمل روسیه میشود مجانی و اعانه با اتحاد جماهیر شوروی بدهیم از عایدات

خواهد آورد تا اینکه موفقی شدن بدست دولت مخلوق خودشان امتیاز داری را لغو نموده يك قرار داد جدیدی که صد در صد بضرر ایران است (رحیبیان - صحیح است) منعقد ساختند البته چون امتیاز داری با موافقت خود آنها لغو شده است لازم نیست در اطراف آن صحبت شود تمام حرفها روی عمل فعلی کمیانی است. آقایان افراد ملت ایران زیاده از افراد مملکت نجد و حجاز است البته اشخاص عالم و فاضل نیز در این مملکت بیش از مملکت حجاز بود خوب است قرار داد این السمود و امریکارا مطالعه کنیم تفاوت معلوم شود و ضرر این قرارداد کمیانی ظاهر گردد ما ما نمی گوئیم نفت را بدشمن انگلستان میفروشیم بلکه میگوئیم که نفت مال ملت ایران است و تمام منافع آن باید بمصرف آبادی مملکت ایران برسد و نرخ رسمی که در دنیا نفت مورد معامله واقع میشود مایه فروشیم ولی حاضر نیستیم چند میلیون لیره دولت ایران گرفته در مقابل چندین مقابل آن را بدست غیره تسلیم کمیانی نمایم (احسن است) این شندر قازی که ما میدهند این را حسابش را بدهند که به بینیم با ملت ایران چه معامله ای کردند و چقدر پول از ما می گیرند (صحیح است) باید ملت ایران تمام حوائج خود را مجانی از منابع نفت مرتفع سازد.

آقایان امروز اگر حساب خود را مطالبه نکنیم پس کی موقع مطالبه خواهد بود آقایان پس از جنگ سابق با اینکه دولت ایران بیطرف بود چون از جنگ متضرر شده بود همسایه بزرگ و مقتدر ما همسایه شدالی گذشتها نمود منجمه بانک استراضی راه آهن یرت انزلی وغیره را مجاناً و بلاهوش برای جبران خسارات واگذار بملت ایران نمود خوبست این همسایه جنوبی که ۲۰ سال ایران را در فشار قدری گذارد از امروز برای اینکه ایران اسباب دست دشمن های او نشود از قارت کمیانی جلوگیری کرده نفت را بخود ما واگذار کند ما تمهید میکنیم با همین تشکیلات و متخصصین موجود اداره کنیم و کمیانی که اصناف مضاعف سرمایه خود را برده چشم از غارت ملت ایران ببوشد. آقایان این کمیانی فقط بمثل نفت قناعت نکرده در قارت ایران دخالت دارد با اسم مایحتاج افراد ایرانی جنس وارد میسازد و کارگرها همان جنس را که بعنوان حقوق از کمیانی گرفته در بازار آزاد میفروشند مثلاً یکی از اقلام واردات چائی است و سیدگی کینده چه مقدار تجار ایرانی وارد کرد چه مقدار کمیانی. بسته چائی کمیانی در خیابان اسلامبول برای فروش موجود است چه میشود سود تجار و منافع دولت مردم یکی از تجار وارد میکنند جای شرحی بدولت شکایت کرده بوزیر دارائی وقت در اردی بهشت سوادش را برای من فرستاده که مقداری چای که با اینجا حمل شده با کشتی آمده چندر بکویت رفته کفچاق وارد ایران شده بعد چندر باآبادان رفته برای مصرف شرکت نفت که حالدر طهران در خیابان اسلامبول دارند میفروشند چندر به بحرین رفته که باز قاجاق وارد ایران شده، چقدر به بندر شاهپور رفته که تجار ایرانی باید عوارض و گمرک آن را بپردازند این فهرست مبلغی است که باید بپردازد

خواهد آورد تا اینکه موفقی شدن بدست دولت مخلوق خودشان امتیاز داری را لغو نموده يك قرار داد جدیدی که صد در صد بضرر ایران است (رحیبیان - صحیح است) منعقد ساختند البته چون امتیاز داری با موافقت خود آنها لغو شده است لازم نیست در اطراف آن صحبت شود تمام حرفها روی عمل فعلی کمیانی است. آقایان افراد ملت ایران زیاده از افراد مملکت نجد و حجاز است البته اشخاص عالم و فاضل نیز در این مملکت بیش از مملکت حجاز بود خوب است قرار داد این السمود و امریکارا مطالعه کنیم تفاوت معلوم شود و ضرر این قرارداد کمیانی ظاهر گردد ما ما نمی گوئیم نفت را بدشمن انگلستان میفروشیم بلکه میگوئیم که نفت مال ملت ایران است و تمام منافع آن باید بمصرف آبادی مملکت ایران برسد و نرخ رسمی که در دنیا نفت مورد معامله واقع میشود مایه فروشیم ولی حاضر نیستیم چند میلیون لیره دولت ایران گرفته در مقابل چندین مقابل آن را بدست غیره تسلیم کمیانی نمایم (احسن است) این شندر قازی که ما میدهند این را حسابش را بدهند که به بینیم با ملت ایران چه معامله ای کردند و چقدر پول از ما می گیرند (صحیح است) باید ملت ایران تمام حوائج خود را مجانی از منابع نفت مرتفع سازد.

آقایان امروز اگر حساب خود را مطالبه نکنیم پس کی موقع مطالبه خواهد بود آقایان پس از جنگ سابق با اینکه دولت ایران بیطرف بود چون از جنگ متضرر شده بود همسایه بزرگ و مقتدر ما همسایه شدالی گذشتها نمود منجمه بانک استراضی راه آهن یرت انزلی وغیره را مجاناً و بلاهوش برای جبران خسارات واگذار بملت ایران نمود خوبست این همسایه جنوبی که ۲۰ سال ایران را در فشار قدری گذارد از امروز برای اینکه ایران اسباب دست دشمن های او نشود از قارت کمیانی جلوگیری کرده نفت را بخود ما واگذار کند ما تمهید میکنیم با همین تشکیلات و متخصصین موجود اداره کنیم و کمیانی که اصناف مضاعف سرمایه خود را برده چشم از غارت ملت ایران ببوشد. آقایان این کمیانی فقط بمثل نفت قناعت نکرده در قارت ایران دخالت دارد با اسم مایحتاج افراد ایرانی جنس وارد میسازد و کارگرها همان جنس را که بعنوان حقوق از کمیانی گرفته در بازار آزاد میفروشند مثلاً یکی از اقلام واردات چائی است و سیدگی کینده چه مقدار تجار ایرانی وارد کرد چه مقدار کمیانی. بسته چائی کمیانی در خیابان اسلامبول برای فروش موجود است چه میشود سود تجار و منافع دولت مردم یکی از تجار وارد میکنند جای شرحی بدولت شکایت کرده بوزیر دارائی وقت در اردی بهشت سوادش را برای من فرستاده که مقداری چای که با اینجا حمل شده با کشتی آمده چندر بکویت رفته کفچاق وارد ایران شده بعد چندر باآبادان رفته برای مصرف شرکت نفت که حالدر طهران در خیابان اسلامبول دارند میفروشند چندر به بحرین رفته که باز قاجاق وارد ایران شده، چقدر به بندر شاهپور رفته که تجار ایرانی باید عوارض و گمرک آن را بپردازند این فهرست مبلغی است که باید بپردازد

و در آن نوشته شده است که با فلان کشتی فلان قدر چای حمل شده است ۰ پنج هزار صندوق بکویت رفته ۸۰۰ صندوق بیهرین رفته ۱۹۴۹ صندوق بکمیانی نفت آبادان رفته ۴۰۰۰ صندوق برای تجار ایرانی آمده این تجارت غیر مستقیم است دولت فنزاری آورد بعنوان اصلاحات بعنوان مالیات بعنوان مختلف و آنوقت يك اشخاص آن گوشه ها دارند استفاده میکنند این مشکارا وقت فشار دادند آنها تیکه سوزنه های درشت دارند مشک را سوراخ میکنند و استفاده شان را میکنند و بآن ذی فحش چیزی نمیرسد، حقیقه این کمیانی دولتی شده است در شکم دولت، مضار کمیانی یکی دو تا نیست از نظر سیاست و اقتصاد وغیره باید خود دولت ایران اقدام کند و حق ملت ایران را که بسکوت ما مضرب شده بگیرد. آقایان این کمیانی علاوه بر مضار مذکور غیر مستقیم بواسطه تشکیلات منظمی که دارد در انتخاب مجلس شورای ملی نقیاً و اثباتاً احتمال نمیدهد مؤثر باشد؟ بیش از این مقتضی نیست من وقت آقایان را مشغول دارم البته اشخاصی که اطلاع بیشتر داشته باشند توضیح خواهند داد. موضوع سی و یکم درآمد املاک واگذاری وخالصه. البته این مبلغ عایدات اگر مخارج اداره و وصول آنرا موضوع بندهایم چیز قابلی نیست. بدیهی است دولت مالک خوبی نیست زیرا که طبق قانون عرضه و تقاضا دولت نمی تواند محصول خود را گرانتر از محصول مشابه بفروشد و همچنین برای مخارج ماندنی شخص دولت نمی تواند صرفه جوئی در خرج کند بالنتیجه املاک خراب و عایدات کم خواهد شد بهتر است دولت تمام این املاک را باختیار بانک فلاحی گذارده (کشاورز صدر - بین خود رهائیا تقسیم کند بهتر است) بانک قسمتهائی را برای مزرعه نمونه نگهداری کرده بقیه را فروخته تا کم کم بهمران و آبادی شود و ضمناً ایجاد خرده مالک شود و بانک با قساط بکسانیکه خود مباشر عمل زراعت میباشند بفروشد و این رویه فعلی دولت بضرر مملکت است من جمله از درآمدها قسمت پنجاه و سوم درآمداوقاف است این قسمت خیلی مضحک است ماها اغلب اطلاع داریم که خیلی از رقبات را بعنوان اینکه دولت اوقاف را ضبط خواهد کرد در موقع تیت املاک بعنوان ملک شخصی تیت نموده اند اگرچه بعضیها پس از تیت عمل بوقفیت نکردند و این دخالت دولت مانع از زمر خیر شد و دیگر اشخاص اموال خود را برای امور خیریه وقف نمینمایند بلکه اگر وقف نموده در سند و قفنامه تصریح نموده اند که اداره اوقاف حق دخالت و نظارت ندارد. بکنفر حاجی ابوالقاسم بود که اورا چاچی میگفتند و حالا هنوز مفرح دارد که مالک بخچی آباد پهلوی تهران است مستقلانی هم در چهار راه مغبراند له و آنجاها دارد. شروع باستان مریض خانه در بخچی آباد نمود ولی در وقتنامه بعقیده خودش دست اداره اوقاف را کوتاه نمود قرار شد یکورقه از وقتنامه را بیورد مطالعه کنیم که چگونه موفقی بکوتاه کردن دست دولت و اوقاف شد آقایان این است احساسات مردم وارد عمل مأمورین اداره اوقاف شویم در سبزواری اطلاع دارم اوقاف است که تولیت آن بااهام بلدات و سالها در تصرف مرحوم حاجی میرزا حسین سبزواری بود پدر مرحوم آقا

آقایان نماینده اسبق سبزواری بعد از زمان قدرت شاه سابق با تمام مقدمات این مملکت مبارزه شروع شده بود اداره اوقاف و رقبات موقوفه را تصرف کرد. اخیراً آقای سبزواری که اهلم و اورغ علمای سبزواری است متولی شرعی است ولی البته اسناد تولیت رقبات نزد دیگران است اداره تعقیب اوقاف خراسان ایشانرا متولی شناخته و حکم بتولیت ایشان داده است ولی تهران راضی نیست و میگوید باید دست مأمورین اوقاف باشد اگر بصورت حساب عمل چند سال اداره اوقاف مراجعه نمایند عایدات موقوفه بهر مصرفی رسیده غیر از آنچه منظور نظر واقف بوده آقایان نمایندگان دولت لازم است از این عایدات صرف نظر کنند و چون امروفت جزء امور حسبی است دادستانها اگر اختلافی حاصل شد رسیدگی نمایند و کمتر مزاحمت مردم فراهم کنند راجع بقشون و قشون مافشون ملی نیست بلکه تشکیلات روی یا نوگرهای شخصی گذاشته شده (حاذقی - بطور کلی فرمائید) (کشاورز صدر - نظام وظیفه است اولاد بنده آقا و دیگران بودند که آنجا خدمت میکنند) افراد فرورملی ندارند و کراراً امتحان شده کافرهای جوان بواسطه عدم رضایت از تشکیلات عملیاتی که بصالح مملکت نبود نمودند افسران سوندی کژاندارمری را تأسیس نمودند افراد را برای خدمت بمملکت تربیت کردند ولی در دوره بیست ساله روجه قشون خوب نیست و این نقص تشکیلات است و تمام خرابیها از این فکر «چه فرمان یزدان چه فرمان شاه ناشی شده این فکر برای دوره دیکتاتوری و قدری مناسب است امروز باید گفت «چه فرمان یزدان چه فرمان قانون» امروز در دنیا اراده ملت حکومت میکند نه شخص در مقابل اراده ملت در حکم پشه در مقابل تند باد حوادث است من عقیده دارم دولت باید اولاً چند نفر که صالح برای ریاست ستاد ارتش باشند بمجلس معرفی نماید مجلس بکنفر را برای مدت سه سال یا پنج سال انتخاب کند و اگر لازم باشد از ممالک غیر انگلیس و روس و آمریکا يك افسر استخدام شود و قشون ملی ترتیب شود و ما را از شر این نوگرهای شخصی نجات دهد تا بداند که نباید بطرف ولی نعمت خود شلیک نمایند و وقایع شوم خونین ۲۷-۲۸-۲۹ در آینه تکرار نشود. در جلومجلس در مقابل چشم ما به مردم شلیک کردند. موضوع وزارت کشور این سازمانی است که شیر بدون سر و دم و شکم است (کشاورز صدر - پس بفرمائید همه را جمع کنند) در تمام تشکیلات باید تجدید نظر شود و این منظور نیست مطابق حیثیات و مقام این ملت بیچاره نیست تشکیلات برای نوگری مردم است نه مردم برای مالیات دادن باین تشکیلات. موضوع وزارت کشور این سازمانی است که شیر بدون سر و دم و شکم است زیرا که شهربانی خود اداره مستقلی است و بکنفر کاطلاعات قضائی ندارد در رأس او میگذارند و از دوره قدری مد شده و هنوز این رویه باقیست در صورتیکه شهربانی جزء دستگاه قضائی است و پرونده مقدماتی را در موضوعات جزائی در شهرها شهربانی تهیه میکند و عادت بدوسیه سازی شده است مثلاً يك اداره دارد که نام او را نمیدانم سابقاً اداره سیاسی گفته میشد و اعتبار بدون اسم زیاد داشت و وظیفه اصلی این اداره دوسیه سازی بود برای فلان

وکیل فلان وزیر فلان شخص با اثر دوسیه سازی از اینجا شروع میکردند يك عضو گزارش دروغ میداد که مثلا جناب آقای فهیم الملك در ساعت دشب به اتوبوس شماره فلان خارجی سوار شد فلان نقطه گذشت میخواهند برای آقای فهیم الملك دوسیه درست کنند دیگری از مأمورین گزارش میداد در فلان ساعت نماینده رسمی فلان دولت از فلان محل گذشت دیگری گزارش میداد فلان نقطه را فلانی در فلان مجمع نمود و همگذا گزارش شد سرهم بالنتیجه آقای بدبخت را شهربانی دستگیر میکرد و بحساب او رسیدگی میکرد اگر مطالب مورد تقاضا در جریان حل میگردد دوسیه را کد بود و اگر حل نشده پرونده بمعاکم عمومی برای تعیین مجازات ارسال میگردد.

البته در قانون گزارش مأمورین رسمی و ضابطین دادگستری رسمی است تا خلاف آن معلوم شود و مدتی این بدبخت گرفتار بود تادروغ بودن گزارشها معلوم شود و قوانین نیز در دوره قدری برای تعقیب و فشار مخالف عدالت و احقاق حق زیاد داریم که مجلس بدون مراجعه و مطالعه بلکه تحت فشار تصویب کرده است مثلا قانون معاکمات ارتش که هنوز مورد عمل است ابتدا جنبه احقاق حق ندارد بلکه اختیارات زیاد بمافوق برای فشار بدادن داده است بلکه فصولی دارد که مخالف قانون اساسی است زیرا که در حکومت مشروطه نظر قانون گذار متوجه این قسمت بوده است که خود حکومت نداشته باشد و شاه را مافوق تمام تشکیلات دانسته و آنچه از فراق و بخشش بوده است دولت باید بنام شاه انجام دهد که شاه در قلوب ملت جای داشته باشد و آنچه انجام وظیفه قانونی است ابتدا شاه مشغول نیست و حتی وزراء نمیتوانند اوامر کتبی و شفاهی شاه را مستند قرار دهند بلکه خود مشغول در مقابل قانون و مجلس میباشند این مطلب کمالات فلان مواد قانون اساسی ایران ظاهر است حال این قانون معاکمات ارتش چون در دوره قدری بنام مجلس بجران گذارده شده و قسمتهای مهمی را با اجازه شاه فرار داده حتی حق فرجام که از حقوق خصوصی محکوم است و دادستان نیز برای حفظ قانون حق فرجام دارد با اجازه شاه واگذار شده و این مواد صریحاً مخالف قانون اساسی است و لازم عمل نمیشد آقایان نمایندگان روزی باید توجه اینخبرای های ۲۰ ساله کرد و اگر دست متعلق و چاپاوس مطالب را بشکل دیگری جلوه دهند خیانت بمملکت و شاه فعلی کرده و آینه خطرناکی برای این مملکت و شخص شاه دارد آقایان میدانند من شاه پرست نیستم ولی صلاح مملکت میدانم که شاه مشروطه در ایران باشد که طوائف مختلف از کرد - لر - عرب - ترک - بلوچ و غیره در پیشگاه شاه همه احترام گذارند وحدت ملی ایران محفوظ باشد و شاه در قلوب مردم منزل داشته باشد نه شاه سرنیزه باشد در دنیای امروز سرنیزه چندان ارزشی ندارد هینار متسکی بود بقشون دیدیم چه شد رضا شاه متسکی بود بقشون دیدیم چه شد. امیراطور زاین در قلوب ملت زاین جای داشت پس از تسلیم بلاشرط مفا امپراطوری او محفوظ است چون سلطنت بر قلوب داشت هنوز بر تخت خودش نشسته است تا وقتی از ملت او را جدا نکنند نمیتوانند او را از جای خودش تحسکان

بدهند آقایان متعلقین و چاپاوسها با زبان دوستی دشمن شاه و مملکت میباشند خدا هم ماها را از شر این طبقه متعلق و چاپاوس نجات دهد (انهی آمین) لازم است وزارت کشور در تشکیلات مملکتی تجدید نظر کند برای شهرها هر ۵۰۰ نفر يك نفر پلیس افلازم دارد برای امنیت داخله کشور هر يك فرسنگ مربع بکنفر ژاندارم افلازم دارد ولی این باسیان و ژاندارم باید سیر باشد حقوق کافی داشته باشد کاملاً مجهز و مسلح باشد طیاره و تانک و تلگراف و تلفن بی سیم و ناسیم و سایر حوائج در اختیار داشته باشد و از این کنایات فعلی خارج شود. آقایان باید مردم در هر نقطه پلیس و ژاندارم را دیدند قنای مسرور شوند و نماینده عدالت قانون در نظر جامعه باشند آیا امروز چنین است؟ شنیده میشود در اغلب دزدیها همین مأمورین شرکت دارند و سهم دارند من شنیدم بکنفر افسر کوچک که مأمور مرز بوده است در مدت کوتاهی موفق شده است که يك صارت چند صد هزار تومانی خریداری نماید آیا از طریق صرفه جوئی در حقوق موفق شده است؟ من در این موضوع که از جرائم عادی و مشهور است زیاد دارم ولی چکنم که آقای صدراعظم جنابان ۳۲۷-۳۲۸ که در جنو چشم ما ها بوده رسماً تکذیب میکنند و دروغ رسمی در این مملکت مد شده و قباح آن از بین رفته وزارت کشور لازم است برای تشکیلات يك واحدی در نظر بگیرد که بخش باشد و این بخش کمتر از ده هزار نفر نباشد تا تر کب چند بخش يك فرمانداری داشته باشد و اساس انتخابات و سایر احتیاجات روی تشکیلات اصول وزارت کشور گذارده شود و این ترتیب فعلی خوب نیست که يك قریه یا بخش در موقع انتخابات تابع فلان نقطه موقع پرداخت مالیات تابع نقطه دیگر موقع سرباز دادن تابع محل دیگر باشد و همه روزه مردم در عذاب باشند این تشکیلات وظیفه وزارت کشور است دولت در شکم دولت معنی ندارد و وزارت جنگ برای خود دارائی برای خود دیگران برای خود تشکیلاتی دارند و اسباب زحمت مردم می باشند لازم است وزارت کشور نقشه و تشکیلات علمی و استدلالی که مناطق مختلفه در مراکز خود رقم حوائج خود را نماید رسم میکنند البته با نظر گرفتن حوائج ادارات مختلف و سایر دوائر و تأسیسات تابع تشکیلات وزارت کشور باشند.

اما دادگستری من میل ندارم زیاد حرف زده باشم ولی از آقایان میبرسم آیا نباید این دستگاه اصلاح شود خوشبختانه افراد صالحی زیاد در حوزه قضائی داریم مقتضی است بدست خود آنها شروع اصلاحات شود فعلاً يك محکمه انتظامی داریم که بمثل تقصیر های انتظامی و ترفیع قضات رسیدگی میکنند و از این حیث خیلی مظلم است لازم است يك محکمه دیگری مثل محکمه انتظامی برای نقل و انتقال و خلاف و انتخابات و تشکیلات داشته باشیم البته نه به انتخاب ویزیر دادگستری بلکه بانتخاب خود قضات که از پایه ۹ بالا باشند لازم است بیودجه دادگستری توجه شود دستگاهی که حافظ امنیت و عدالت است باید حقوق خوب و وسائل کافی تحت اختیار آنها باشد تا بتوانند انجام وظیفه نمایند لازم است تجدید نظر در قوانین بشود مثلا دیوان کبفر عدالت دولت این دستگاه

در ممالک دیگر با این ترتیب نیست چرا در ایران تاسیس شد من عقیده دارم چون در ایران قانون در حق اقربا نباید اجرا شود و در حق ضعیفان مضاف فشار وارد کند اینست اصول مذهب دیوانیان که ملوک در کتاب خود نوشته اگر میل داشته باشند آقایان فدوش را بیابارم برای آقایان بخوانم (بکنفر از نمایندگان - کتابچه آقا) اصول مذهب دیوانیان ۵۰ سال ۶۰ سال پیش نوشته خیلی تطبیق میکند با دوره حاضر - تاریخ تاسیس این دستگاه از تشکیلات داوری و بسط قدرت مرکزی بعضی از داستانها با فرمانداری راجع تعقیب فراد داد آن فرماندار قوی بود بایکی از رجال متنفذ در بر دوره قدری منسوب بود این موضوع در خراسان اتفاق افتاد لذا دستگاه دیوان کثیر کارمندان دولت تاسیس شد که هر مانور در منطبقه خود آزاد باشد اگر شکایتی رسید و متمدنی طرف توجه مقامات نیست دستور تعقیب و فشار داده شود و اگر داماد فلان سر لشکر است و یا طرفداری قوی و شرکاء جرم در مرکز دارد موضوع مسکوت بماند این دستگاه بعقیده من باید از بین برود و مأمورین دولت مثل دیگران تحت تعقیب قانون واقع شوند و با همان جریان محاکمه شوند

ممکن است دولت بگوید که فلان استاندار از نظر مصالح سیاسی مرتکب فعلی شده است که طبق قوانین جرم است ولی مصلحت در تعقیب فعلی نیست برای رفع این اشکال مامنی ندارد که تمام مأمورین مانند نماینده مجلس روز راه رفقات که هر یک بطریق باید اجازه تعقیب داده شود و خلاصه سلب مصونیت نمایند برای سایر کارمندان دولت نیز مقرراتی از نظر سلب مصونیت باشد که دستگاه قضائی اسباب اشکال سیاسی نشود و این دستگاه دیوان کثیر که چند هزار پرونده متراکم است جمع شود

موضوع ۶۲ و ۶۳ سود ویژه معاملات اقتصادی و درآمد بانک صنعتی است و درآمد ارز آقایان تمام کارهای دولت حکم کیسول است که ظاهری ملایم و شیرین و مطبوع و در داخل معلوم نیست چه دارد آیا سم است و یا داروی نجات بخش؟ آقایان پس از انقلاب شمال ایران بعد از جنگ اول و ایجاد دولت اتحاد جماهیر شوروی در امور اقتصادی ما فرق کلی حاصل شد قانون عرضه و تقاضا عملاً لغو شد زیرا که همسایه شمالی در تجارت با دیگران رژیم خود را مجبور بود رعایت کند و آن دخالت دولت بود در تمام شئون اقتصادی و ملت ایران که میل داشت با مجاورین خود معامله کند محصول ایران که باب تجارت شمال بود چند میلیون نفر فروشنده بود و یک نماینده دولت شوروی خریدار و بالعکس برای خرید محصول دولت شمالی چند میلیون در ایران خریدار بود ولی فروشنده فقط یک دستگاه از طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی و نتیجه این عمل معلوم بود که استقلال اقتصادی ایران معنی دیگر نداشت و مجبور بودیم اگر آزادی تجارت در ایران را رعایت کنیم باید چشم از همه چیز ببوشیم و منتظر تصمیم مسکو باشیم برای رفع این اشکال قانون انحصار تجارت گذشت که بتوانیم در مقابل یک دولت که از طرف شمال برای فروش و خرید در ایران مشغول عمل است ماها یک دستگاه داشته باشیم

دنبال این فکر شرکت مرکزی درست شد بعد ما تجارت منکک با آلمان روی اصل نهاتر گذارده شد حقیقه در عمل با مالک مختلف روی پایه عمل متقابل رفتار کردیم البته این دستگاه خیلی منظم میشود آنچه برای حفظ دستگاه قدری مفید بود خوب بچرخد آنچه برای حفظ عامه بود وارد جیب افراد متعلق و چاپلوس و حق و حساب بده میکردید مثلاً روسها از ایران اجناس بردند و در مقابل بلور و شیشه دادند این جنس که وارد شده بود در مقابل صادرات شمالی بیفیع ماند فروخته شد؛ خیر؛ بلکه چند نفر از شرکت مرکزی خریداری کردند و عملاً این اجناس منحصراً شد بآن چند نفر حالا تومانی ده تومان یا صد تومان یا هزار تومان فروخته شد خدا میداند این میلیونرها که مثل قارچ از زمین جوشید نتیجه عمل انحصار بود البته انحصار تجارت روی منطق معامله متقابل بسیار صحیح بود و عمده فروشی دولت با نداشتن تشکیلات مطابق مصلحت بوده دستهای مخفی و حق و حساب که دیده نمیشود و قانون کران فروشی که مشمول آقایان محترم نیست. آقایان کرسیهای و کالت اطاق تجارت و غیره را اشغال کرده اید اطلاق با مزاج آقایان متناسب نیست فقط بیچاره بیخ فروش سر کوجه ما باید شلاق خورده پول برای طاق نصرت بدهد آقایان حق حساب را در موقع خود داده مشمول این مقررات نمی باشند. حتی کار بجائی رسیده که دوا و قرص و حب که طرف حاجت همه میباشد چند نفر انحصار بخود کردند و کردند آنچه کردند که ملت ایران را باین روز سیاه نشانده و در پایتخت مملکت در قسمت های جنوبی مثل دوره حجری در مقاله زندگی مینمایند در سوراخهای زیر زمین مسکن مینمایند. اول از اسعار صحبت کنیم در مدت قبل از شهریور ۳۲۰ کیسویون ارز برای این بود که از همه کس اسعار را گرفته در راه منافع شاه و قشون مصرف شود و این کارخانجات امروز آنچه شخصی است از طفیل وجود دیگران است من میل ندارم وارد خصوصیات شوم و آنچه تحت اداره بانک صنعتی است برای شاه سابق از حاصل دسترنج این مردم بدبخت تهیه شد. آقایان اگر از گذشته چشم ببوشیم و میل داشته باشیم در آتیه از این دستگاه ملت و مملکت استفاده کند باید رویه را عوض کنیم اول در مقابل صادرات آنچه ارز حاصل میشود دولت دخالت نکند ولی مانع از ورود اجناس غیر لازم شود و خود صادر کنندگان اسعار خود را بهر کس گرانتر خرید بفرشند. دوم ارزهای دولتی است باید دولت مبلغی برای کمک بمحصلین و اشخاص مریض و مأمورین خود که بخارج مسافرت مینمایند تخصیص داده بقیه را تحت اختیار یک بانک وارداتی بگذارند که اجناس طرف حاجت عموم از قبیل دارو و کاغذ و قماش نهی ارزان قیمت، قند و شکر و آهن وارد کنندند مثل شرکت مرکزی که نداشتیم بلکه یک نفر تاجر را برای مدت ۷ یا ۸ سال داخله باشد خارجه باشد قرقی نمی کند هر کس تخصصی دارد کنترات کند که این تاجر در تحت فشار فلان وزیر و وکیل و روزنامه نویس و غیره نباشد. بدیهی است سایر تجار نیز برای ورود این قبیل اجناس آزاد باشند و دولت از سود تجارتی و تفاوت قیمت ارز و غیره مستفید شده و سیاست اقتصادی خود را خوب اداره کند و لازم نیست

اسعار باشخاص داده شود که یکی کمتر یکی بیشتر گرفته و این تبعیضها که میشود بشود دولت تاجر خوبی نیست اگر دولت تاجر و مالک خوبی بود کفتم خود دولت وارد نکند یک بانکی باشد برای واردات مانند بانک ناسرا اسکانس که داریم یک بانکی هم برای واردات این چند رقم تاسیس شود. بیلان را آخر سال میدهیم سود زیان که دارد بخزانه منکک میدهیم. دوم راجع بعمل بانک صنعتی است بدیهی است اگر بانک مستقل باشد و اشخاص علاقمند در رأس بانک باشند با کمک بانک فلاحی ممکن است این منکک نجات یابد ولی بشرطها و شروطها اول کارها را باید با نظر متخصص انجام دهند نه اینکه هیئات وزراء بر خلاف تشخیص متخصصین تصویب نامه صادر کنند که باید کارخانه قند در فلان نقطه باشد این را باید متخصص معین بکنند دولت چه میفهمد که این قند بلوچستان آنجا چند نفر که میگردند صدی ۱۵ یا صدی ۱۸ میدهیم دولت تصویب نامه صادر میکند که باید کارخانه قند را در فلان ناحیه نصب کنند دولت وظیفه او نیست متخصصین هر چه تشخیص دادند باید عمل کند دولت نباید در کارها دخالت کند در زمان شاه سابق اراده شاه مافوق همه چیز بود ولی مع الوصف کارخانه قند در مازندران تاسیس شد بعد متخصصین شاه گفتند که چند نفر مازندران کمتر از خراسان و اراک و سایر نقاط موافقتی دارد شاه قبول کرد با اینکه کارخانه تهیه و حاضر شده بود از آنجا بردند بجلد دیگری ولی فعلاً برای خرید در کارخانه قند آنچه متخصصین میگویند در فلان نقطه خراسان باید گذارده شود بیشتر بهره برداری خواهد شد هر روز یک تصویب نامه صادر می کنند که خیر نظر متخصص غلط است شاه وعده داده است که در فلان نقطه بگذارند.

(رضوی شیرازی - آقای حائری زاده اینطور نیست. اینطور نیست آقا خلاف عرض کرده اند) (کشاورز صدر - متخصصین نظر داده اند) این تصویب نامه هیئت دولت را مخالف دولت حق ندارد در کار فنی و تخصصی تصویب نامه صادر کند (رضوی شیرازی - همین شده است اگر واقماً نظر جناب عالی است اینست شده است) در بانک صنعتی مهندسین و اشخاص خوب زیاد داریم ولی هیچکدام برای آنکاری که تخصص دارند بعقیده من انتخاب نشده اند یک شخصی را من شنیدم که تحصیلش در کارهای نفت بوده است و اطلاعاتش که باید برای کارهای نفتی و استخراج نفت از او استفاده بکنند در صورتیکه این شخص را برای بخش کالای بانک صنعتی فرستاده اند این شخص بسیار آدم خوبیست منم باو ارادت دارم ولی از این شخص باید در جای خودش استفاده بکنند فرمایش آقای مهندس رضوی است باید هر کس را در قسمتی که تخصص دارد بگذارند نگذارید این نظر های خصوصی اشخاص اعمال شود رای زید و عمرو است که این ماشین را اینطور خراب کرده اگر رفته بودند روی تعقیب که هر کس در هر قسمتی که تخصص دارد او را بهمان کار بگذارند این مملکت را باین روز سیاه نمی نشانند مثلاً مهندس کارهای نفت همهدار عمل تجارتی است ممکن است بنده

باشا بادیگری از نظر فرابت و رفاقت و غیره اعمال نفوذ کنیم که فلان مهندس رئیس کارخانه قند شود در صورتی که ابتدا این آقای مهندس اطلاع از کارخانه قند ندارد. اشخاصی را می شناسم که فقط حقوق بانها داده میشود و غیر از شرارت سرمایه و عمل ندارند بلکه یکدسته اعیان کارگر نما در کارخانجات هست که مطابق حقوق یک نفر وزیر با سامی مختلف حقوق بگیرند در صورتیکه سواد خواندن و نوشتن ندارد فقط سرمایه آقا چاقو کشی است و این عمل ترویج شرارت بتدریج در مملکت معمول شده و نیست مگر خرابی دستگاه حکومت که عدالت اجتماعی و امنیت نیست و باید اشخاص برای دفاع از حق خود یا تعدی بحق دیگران حمایت از اشرار نمایند و مانند اواخر دوره ماقری است که داشها و الوابط هر کدام با توفیق داشتند.

در قسمت های بدات مختصر مطالبی گفته شد وارد قسمت هزینه شوم. اول موضوع وزارت کار است و اداره انتشارات و تبلیغات. آقایان هنوز تکلیف وزارت کار معلوم نشده البته اداره کاری برای حفظ حقوق کارگر لازم است همچنین اداره روابط مالک و مستاجر لازم است برای اینکه بحق یکدیگر تعدی نمایند و همچنین خیلی تأسیسات که در ممالک دیگر هست باید در ایران ایجاد شود. ولی وزارت کار که هنوز قانون اجازه و تأسیس آنرا نداده، قوانین روابط کارگر و کارفرما، و روابط بین مالک و زارع هنوز مشروع نگذشته فقط برای تأسیس دستگاه عریض و طویل در بودجه از جیب این مردم فقیر مبالغی بدهیم معنی ندارد. از آثار اداره کار در حمام همسایه خود دیدم که کارگری انگشتر بکنند و راکتند سرفت نمرده صاحب حمام جریمه سرفت را داد و آن کارگر را خارج کرد. بعداً اداره کار برای حفظ حقوق کارگران کارگر متمم را با فشار تحمیل بجمامی کرد. جمامی میگوید من باید باین ترتیب حمام را تعطیل کنم و باین کارگر نمیتوانم با نظر اعتماد نگاه کنم و همکاری فرغ اعتماد است. بدیهی است استاد حمام یک کارگر است دلاک هم یک کارگر و در ایران از چند نفر عزیز بلاجهت که بگذریم همه زحمتکش و در تحت فشار میباشند. اما این اداره تبلیغات آقایان، مگر خانواده سلطنتی در دنیا منحصر بایران است. مملکت انگلستان هم سلطنتی است معامله اداره تبلیغات انگلستان چیست؟ هر موقع رادیو تهران بیچش باز شد در اطراف دستگاه سلطنت و منسوبین و خدام و حرکت و سکون و ... و ... یک دستگاه حرف میزند آیا در دستگاه تبلیغات انگلستان نیز همین رویه معمول است؟ این دستگاه که باید دستگاه تفاق و چاپلوسی اسم داشته باشد با این صورت ابتدا لزوم ندارد باینکه این دستگاه اصلاح شود راجع بوزارت جنگ البته ایران قوه مسلح برای حفظ نظم داخلی شهرها و راهها و داخله مملکت لازم دارد (صحیح است) ولی این تشکیلات که حافظ نظام داخلی است و سیاست داخله را اداره میکند باید تحت نظر وزارت کشور باشد (صحیح است) سابقاً گفتم اگر دنیا در سایه عدالت اجتماعی اداره شود مثل امثال ایران گرفتار جنگهای خارجی و حملات همسایه ها نخواهد شد و اگر سخای نکرده

شکل دیگر اداره شود این سببه ها و سر لشکرها همان رفتاری را که در شهریور ۲۰ نمودند خواهند کرد (حاذقی - کلبت ندارد آقا. اینطور نفرمائید) فقط این دستگاه با این تشکیلات که دولت قوی و غیر مسئول در شکم دولت ضعیف و مسئول میباشد سراسر برای منکک ضرر دارد اگر مقررات بین المللی ما را منزه بسازد که قشونی برای حفظ امنیت جهان بدهیم خود نگاهداری کنیم باید اول این تشکیلات را منحل کنیم بعد روی شالوده صحیح قشونی در حدود تناسب عایدات مملکت و جمعیت داشته باشد که قشون می باشد نه قشون شخصی (دهقان - قشون ما قشون ملی است اینها برادرها و پس های ما هستند آقای حائری زاده) این قشونی مدرسه بروند درس بگویند دیگران را با سواد کنند (دهقان - آقای حائری زاده الان که دارند تمام نظامها را هم با سواد میکنند. شما باید تقدیر بکنید از عملیات وزارت جنگ) امروز جناب وزیر جنگ فقط یک مسئولیت اسمی دارد ولی یک دستگاهی است بنام ستاد ارتش که در مقابل مجلس مسئول نیست و تمام اختیارات را دارد چون ۲۰ سال ما عادت کردیم که هر کس اسلحه بدست گرفت و لباس نظام پوشید هر ظلم و تعدی کرد چه فرمان بردار چه فرمان شاه بگوئیم. گاهی می شنویم در ستاد ارتش جمعی از کلاه دعوت شده اند برای اصلاح فلان استان مذاکره نمایند آقایان قشون راجع مداخله در سیاست نیست (صحیح است) - سیاست داخلی با وزارت کشور است سیاست خارجی با وزارت امور خارجه لشکر چکار دارد دخالت در امور اقتصاد یا بهداشت یا فرهنگ کند؟ قوه مسلح برای دنیا است نه وقت فرمان عقب نشینی دادند برگردد. چه مناسبت دارد سیاست با قشون؟ در تمام دنیا مدلل شده است که شمشیر نباید تحت اراده قلم باشد. مگر دوره بربریت در ایران شروع شده که قشون در تمام کارها دخالت دارد؟ مگر ممالک دیگر قشون ندارند بکروزی بود که یکدسته قزاق باقی شد و وارد تهران شد مجلس وجود نداشت شاه ضعیف بود. تسلیم باقی ها شد آنها را بنام دولت و قوه مجریه قبول کرد سیاست آنروز دنیا مساهد با این فکر یا فیکر بود کردند آنچه کردند. با حوادث شهریور ۲۰ و امتحان آندوره امروز دیگر نباید آن شرارتها تجدید بشود بلکه آنچه از مواد که با اسم قانون اساسی است که لغو است و در بقیه باید تجدید نظر شود. ما اگر لازم است که قشونی داشته باشیم باید قشون ملی باشد نه دستگاه نوکر شخصی آنهاست دستگاه غیر مرئی که بکروز بنام حکومت نظامی دو روز دیگر بنام دیگر در تمام شئون اجتماعی دخالت کند. بیشتر امروز در این موضوع لازم نیست. دستگاه قدری از تبصره حق فرجام محکومین دادگاه نظامی چگونه وحشت نموده و کشف شد که در پس این پرده چه جنابانی میشود صحبت خواهم کرد. موضوع وزارت بهداشتی مبلغ ۲۲ میلیون و کسری بودجه دارد و این بهداشتی مملکت با این عرش و طول نصف بودجه را در وزارت بهداشتی مصرف میکنند تقریباً نصف این مبلغ بخارج

دستگاهی است باسم سازمان خدمات اجتماعی و شاهنشاهی و این تحت نظر دکتر آشتیانی اداره میشود من تعجب کردم در یکی از نظراتهای امجد حضرت همایونی تصریح شده بود که این سازمان تحت نظر ایشان است و دیگری مسئول نیست. البته امجد حضرت ضعیف قانون اساسی مسئولیت ندارد پس از نظر حقوقی شش میابون تومان که ما تصویب میکنیم سازمان داده شود اگر بمصرف خود برسید و صرف حزب سازی برای انتخابات شد از چه کسی باید بر سش شود؟ البته این جنبه معترض بود و در موقع خود صحبت خواهیم شد. اگر ما هر دو بودیم را یکی بکنیم بودجه خدمات شاهنشاهی با بودجه وزارت بهداشتی و مبلغ بیشتری هم اضافه کنیم و آقای دکتر آشتیانی که انصافاً خوب از همه این تشکیلات بر آمدند و خود من هم در جریان رفتم دیدم یکی از آنها را خوب ایشان در مقابل مجلس وزیر مسئول باشند و تمام آن سازمان شاهنشاهی و خیریه و هر چه هست با ایشان بدهیم چه عیب دارد؟ ما یک مسئول بشناسیم توی مجلس و الا پول بدهیم بمنظوری و معلوم نشود مسئول کیست این خیلی بی معنی است (دکتر طباطبائی خیلی خوب خرج میشود) در حکومت مشروطه این حرفها قایده ندارد این حرفها یک چیزهایی است خیلی شیرین و فشنک ولی تویش ممکن است یک سمی باشد که یکدسته شمارا بکشد اینست که ما باید اصول را از دست ندهیم اگر ما هر دو بودیم را یکی کنیم که یک مبلغ بیشتری بشود و آقای دکتر آشتیانی که فعلاً اداره سازمان را عهده دار هستند مسئول مجلس باشند و جناب دکتر اعلم الملک که مردم از وجود خود ایشان بیش از وزارتشان استفاده میکنند بپردازند استفاده بدهند چه ضرر دارد؟ ما که مخالف نیستیم که از بودجه مملکت مبلغی بمصرف بهداشت برسد چرا دو دستگاه داشته باشیم یکی مسئول و یکی غیر مسئول که در استخدام دکتر با یکدیگر رقابت کنند بلکه یکدستگاه داشته باشیم که مفید برای مملکت باشد. آقایان هیچکس بعنوان سوء قصد و خیانت و جنایت اعمال خود را بشمار معرفی نمیکند بلکه امور خیریه و اصلاحات اجتماعی و آزادی، عدالت و امثال این حرفهای خوب را شمار قرار میدهیم ولی بعد ما بنام آزادی دشمن آزادی است بنام عدالت ظلم را تقویت میکند. البته امجد حضرت همایونی مافوق همه است سازمان اختصاص با ایشان ندارد. تمام کارهای خوب مملکت بنام ایشان انجام میشود چرا مقام سلطنت را کوچک بکنیم بگوئیم اصلاحات سازمان خدمات اجتماعی شاهنشاهی تعلق بشاه دارد بلکه تمام دستگاه است و غیره بنام امجد حضرت همایونی است این اشخاص متعلق و چاپلوس برای اینکه خود را وارد جریان کنند شاه را سیر قرار میدهند. آقایان شاه مال مملکت است نه مال سر نرزه و مال اشخاص بدیهی است که اگر جمعی شاه را فقط مال خود معرفی کنند یا سر نیزه شاه را فقط مال خود بدانند کسانیکه از آن اشخاص رنجشی داشته باشند یا از سر نیزه صدمه دیده اند از شاه رنجش حاصل خواهند کرد این موضوع

ابدأ نه مصلحت شاه است و نه مصلحت مملکت بلکه باید دستگاه بهداری و سازمان غیره یکی شود. این مبلغ ناچیز برای بهداری کافی نیست بلکه مصلحت است مالیات مخصوصی برای مبارزه با امراض عمومی از قبیل مالاریا سیفلیس و تراخم و غیره وضع شده و یک تشکلات بزرگ برای بهداشت عمومی داده شود و این مسخره بازیها خانه باید برای سرور کردن احمد و محمود با حیات یک مدت نباید بازی کرد. باید جدی برای مصالح جامعه عمل کرد اگر آقایان وزراء این مطالبی که میگویم نمیتوان نصیحت بشاه نیکویند خیانت بشاه میکنند آقایان شاه یک جوانی است ایرانی. چندی دزدان را تحصیل کرده البته اگر اشخاص فهیم و مجرب مصالح او را نگویند و اشخاص چاپلوس برای خوش مدیر خلاف مصالح اوصحت کنند ممکن است اعلالی از شاه ناشی شود که بضرر خودش و مملکت باشد. من چون باین مردم باین آب و خاک که همه چیز من را داده علاقه دارم حقایق را میگویم (حاذقی - همه علاقه دارند) و آقایان را از طوفان خطرناک امروز دنیا مطلع می سازم باید زودتر جدی برای اصلاح جامعه بکوشیم تا استقلال و سعادت مابقی بماندراج بوزارت دادگستری حرف بسیار است و همه توجه دارند که عدالت اساس حکومت و آبادی و همه چیز مملکت است. آقایان مبلغ جزئی برای تشکیل دستگاه عدالت کافی است؟ آقایان بین بودجه وزارت دارائی و جنگ از یک طرف و بهداری و دادگستری از طرف دیگر مقایسه فرمائید من راضی هستم بودجه این چهار وزارتخانه را رویم ریخته بهر یک یک ربع بدمند این وزارت خانه ها یکی اولاد خانم نیست و یکی اولاد کبیر بلکه عدالت باید مافوق همه باشد اگر عدالت باشد مردم میتوانند زندگانی بکنند و اگر عدالت نباشد یکمده اراذل و االواط میتوانند زندگی بکنند و باقی مردم در فشار ورنجند ما میگوئیم که این عدالت هم باید مثل مشت و زور هم قوه با آنها باشد مأمور ایالتی را که برای وصول مالیات میفرستید بودجه مملکتی را ببینید تا ببینید مخارج آن چقدر است. بودجه وزارت جنگ راه ببینید چه مبلغ است این دو تارا با بهداری و دادگستری رویم بریزید و چهار قسمت بکنید که این وضعیت یک قدری رو بجاو برود.

اما وزارت خارجه - آقایان دولت ایران جزء جامعه بشری است و باید در کورانه های مختلف وارد باشد و وزارت خارجه در حکم چشم مملکت است. سزاوار - آقای رئیس تنفس مرحمت فرمائید، آقایان یکمده برون میروند و بقیه اگر کار ضروری هم داشته باشند باید همینطور بنشینند.

حاذقی - چه کاری ضروری تراز کار مجلس است رئیس - مدت جلسات را سه ساعت قرار داده اند و ده دقیقه دیگر مجلس ختم میشود فرمائید آقای حائری زاده

حائری زاده - وزارت خارجه در حکم چشم مملکت است که خطر را از دور تشخیص داده اطلاع میدهد آیا این مأمورین مادر ممالک مختلفه چشم بینا دارند و خطر را تشخیص میدهند؟ بنده خلاف آنرا شنیدم. اغلب این آقایان حقوق را از ما میگیرند ولی بنفع دیگران نمیدهند بانی میکنند (صاحب است و چون دیوار منکم در اطراف این وزارتخانه کشیده شده که تقریباً میتوان گفت قبول و نان خانه

چند فامیل است. آقایان اشخاص تحصیل کرده دیگر نیز که حس وطنخواهی آنها کمتر از آقایان موجود نیست در این مملکت وجود دارند. من مقبده دارم در سازمان و نفرت و بودجه و همه چیز این دستگاه باید تجدید نظر شود تا اینکه نظیر وقایع هیرمند و سایر آبهای سرحدی در آبه پیش آمد نکند. آقایان خسارات ایران را جمع بوضع بحرین و خلیج فارس و نفت و شط العرب و فیروزه و سایر قسمتها از خرابی دستگاه دولت و مخصوصاً وزارت خارجه ما میباشد. هنوز طلاهای ما در بانک های خارجی است و بسایران انتقال داده نشده در معامله اشباه زیادی امریکائیها اگر وزارت راه و آقای بدر نایب التولیه فعلی آستانه حضرت رضامقصر میباشد ولی وزارت خارجه ما که چشم ما بوده بیگناه نیست فعلاً این موضوع میگذرد اگر فرصت باشد تا نیا صحبت خواهد شد

اما در وزارت پست و تلگراف بیچاره مردم این مملکت آقایان سیم خراسان بتهران همان سیم آهنی زمان شاه شهید است که کاش این سیم نیز با کلوله میرزا رضاخان کمرانی شهید شده بود آقایان بهترین کاری که رئیس پست و تلگراف مشهد میکنند اینست که پول تلگرافها را گرفته و بایست میفرستد خود من در یک طیاره پست سوار شدم مسافر دیگری نداشت و معمولات پستی خیلی مختصر داشت پرسیدم چیست گفت در هفته یکمده تلگرافات مشهد را با طیاره حمل بتهران میکنیم اینست دستگاه فوری پست (صاحب است) البته حقوق اعضاء پست و تلگراف خیلی کم است یک مأمور از تهران با جزئی حقوق بفلان نقطه اعزام میشود البته اشخاص در تجارت و سیاست و غیره باید یکدیگر رقابت دارند این آقای رئیس پست و تلگراف از این رقابت بنفع خود استفاده میکنند مثلاً یک نفر میل ندارد کاغذ های رقیب او بر مرکز خود برسد از مأمور پست استفاده میکنند، لازم نیست رئیس پست هم باشد یک مأمور آنجا هست که آنچه کاغذ من بنویسم و تحویل پست بدهم آدرس آنرا قلم زده آدرس دیگری مینویسد. بدیهی است که بقصد نخواهد رسید و پس از شش ماه عودت داده می شود الان میل دارید نمونه آنرا نشان بدهم خطوطی که جهت خود من نوشته شده و نوشته است تجریش پس از چندی چون رئیس پست تجریش شخصاً مرا میشناخته مجدداً کلمه تهران را نوشته و پس از مدتی رسیده این یکی از انواع قلب هاست که البته قره الی الله قلب نشده و مزدر گرفته قلب کرده چرا چون حقوق او کافی برای مخارج نیست و مرکز هم چندان اهمیت نمیدهد چون میداند این مأمورین از فشار گرسنگی مرتکب خیانت شده اند این شکایت را فقط صوری ماست مالی میکند. راجع بوزارت فرهنگ هم چون آقایان هلاقند بفرهنگ در مجلس زیاد داریم صحبت میفرماید کرد و واگذار آقایان میگویند حرف بسیار است که اگر آقایان نگویند من در موقع دیگر صحبت خواهم کرد اما وزارت کشاورزی - اگر بجای این تشکیلات که این روزها میدی نیست بحال مملکت مفید باشد فقط دستگاه آبیاری را تقویت میگردند و در نقاط پر جمعیت و کم آب چاه حفر میگردند

بیشتر بحال مملکت مفید بود ولی چون این وزارت جدیداً تأسیس شده و در زمان شاه سابق مباشر املاک شخصی شاه بود و بکاری نمی توانست وارد شود و با این بودجه جزئی و نبودن وقت آناریکه قابل ذکر یا انتقاد باشد ندارد امیدواریم که بعدها خوب شود که تعریف بکنیم. اما دستگاه وزارت دارائی، لاجول و لاقوة الا بالله، آقایان در تمام دنیا و در مملکت خودمان و تمام بانکها حق العمل برای وصول چه مبلغ باید داد؟ اگر مبلغ وصولی مختصر است صدی ده یا صدی پنچ و اگر زیاد است صدی نیم یا صدی ربع است. این وزارت دارائی موجود که طبق لایحه ۲-۱۰-۲۴ که صدر اعظم موجوده وزیر دارائی بوده مخارج را صدی پانزده پیشنهاد کرده است. آیا بهمان میزان پیشنهاد ایشان قناعت شده یا خیر؟ بعضی وجوهات میباشد که ابداً وزارت دارائی یک مأمور برای وصول آن عایدات ندارد مثل عایدات ثبت اسناد و املاک، عایدات نفت جنوب، عایدات بانکها، یکشاهی مخارج وصول ندارد و وزارت مالیه میگوید که این عایدات را ما وصول کردیم بعضی از عایدات هم هست که وزارت دارائی وصول میکند امتثال مالیات املاک مزرعه و غیره که ما بجای صدی ربع و صدی نیم صدی سی حاضریم بدیم که دست از سرما بردارند. آقایان، الحمد لله اغلب شما سرمایه دارو مالک میباشد، برای مباشر وصول عایدات املاک خود چه مبلغ منظور میدارید؟ آیا وزارت دارائی غیر از مباشر وصول عایدات چه مقامی دارد که باید از صندوق عمومی و حاصل دسترنج مردم از اصل بودجه این مبلغ زیاد را بدیم آنچه دزدی و دغلی مأمورین دارند بجای خود و یک نفر تحصیلدار که در ماه کمتر از ۲۰۰ تومان حقوق دارد در ظرف چند ساعت میلیونر میشود و بطمع کرسی و کالت هم می افتد موفق هم می شود از همان راه که ثروت تحصیل کرده موفقیت در عمل انتخاب هم حاصل میکند. آقایان، توقع دارم چند نفر مورد اعتماد انتخاب کنید که بحسابها رسیدگی کنند اول از خود من شروع کنند عایدات و مخارج موجودی و قروض را ملاحظه کنند بعد دارائی پنج نفر از همین مباشرین و تحصیلدارهای دارائی را که من معرفی میکنم رسیدگی میکنم. ببینید چه بلایی بر این مردم آورده اند و مردم را غارت کرده اند که مجبور به هاجرت و ترک ایران شده حاضر شده اند که املاک خود را بگذارند و با ژاندارمری جنگیده و از ایران فرار کرده اند. آقایان این آشیانه فساد و غارت روزی باید آتش بگیرد و دوری خرابه آن دستگاهی بسازیم که حامل بوظیفه خود باشد و این مضار را نداشته باشد قسمت پنجم و ششم مخارج که نوشته شده است تنه دیون خارجی دولت این موضوع باید توضیح داده بشود که چرا تا حال پرداخت نشده با اینکه کرا را راجع باین موضوع صحبت شده است. قانون گذشت از مجلس، سؤال شد از دولت سابق و در دولت سابق هم مورد مذاکره بوده چه شده که هر زمان ستون مخارج این فرض تنگین را داریم حالا بانک خودمان هر چه که طلب دارد بجای خودش. فرضی که این شرایط سنگین و تنجس را دارد چرا تا حالا پرداخت نشده و هنوز توی این ستون نوشته شده است اگر سوء نیت نبوده چرا تا حالا این حساب را تصفیه نکرده اند و این حساب را باید تصفیه میگردند و این ورون باره تنگین را

میسوزاندند. یکی دیگر قسمت ۵۸ است که نوشته شده است مخارج سری کشور این موضوع را میخواستیم برسم که آیا مخارج اعلیحضرت از همین محل بوده است و آنچه که در بعضی از جراید نوشته شده است مخارج زیاد بوده است آیا این مسافرت بنفع مملکت بوده یا نه موضوعی است که در موقع خود پس از تحقیقات بررسی خواهد شد و فعلاً بصورت می گذاریم موضوعی که بیشتر باید در اخبار آن بحث کنیم تبصره دوم ماده دوم با قسمت ۶۰ سایر هزینه های کشور است این موادی که اینجا نوشته شده است برای بودجه در ماده دوم یک تبصره ای دارد که من هر چه آنرا خواندم فیر از سوء نیت چیز دیگری نفهمیدم. وزارت دارائی مجاز است از مبلغ ۷۰۰۰۰۰۰۰ لیره که قرار است دولت انگلستان برای تصفیه مطالبات دولت ایران از بابت استفاده نیروی متفقین از راه آهین و بتا در ایران نقداً بپردازد مبلغ دو میلیون لیره از آنرا بمصرف خرید فنشک و تعمیر کارخانجات تسلیحات ارتش رسانید و بقیه راجعه عایدات بنگاه راه آهن دولتی ایران منظور دارد که بعد از پرداخت بدی های بنگاه بقیه برای رفع حوائج ضروری ...

رئیس - آقای حائری زاده زیاد ماندند است؟ (حائری زاده - یک صفحه دیگر دارم) میگویند بازم هست اگر اجازه میفرمائید که بیاناتشان را تمام بکنند و جلسه را ختم بکنیم والا که الان جلسه را ختم کنیم.

جمعی از نمایندگان - تنفس مرحمت فرمائید.

رئیس - آقایان بیرون تشریف ببرند بنده مطلبی دارم بقیه بیانات آقای حائری زاده میماند برای جلسه بعد. از شعب این ۱۸ نفر آقایان برای کمیسیون بودجه جدید انتخاب شده اند اسمی قرائت میشود و باطلاع مجلس میرسد بعد هم در اولین فرصت یعنی صبح پنجشنبه قبل از تشکیل مجلس هیئت رئیسه خودشان را انتخاب میکنند. حالا اسمی قرائت می شود:

(شرح زیر قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی ذیلا اسمی آقایان اعضای کمیسیون بودجه جدید که اخیراً از شعب انتخاب شده اند بر عرض میفرمائید: از شعبه اول آقایان عباس مسعودی، امیر نصرت اسکندری، تنی زاده - از شعبه دوم آقایان سید علی بهبهانی، کشاورز صدر، مکرم - از شعبه سوم آقایان دکتر معظمی، دکتر فلسفی، اسدی - از شعبه چهارم آقایان ملک مدنی، عباس اسکندری، وثوق - از شعبه پنجم آقایان ضیاء ابراهیمی، مهندس رضوی حسن انبیر - از شعبه ششم آقایان دکتر امینی، افخمی، ملکی.

۲ - تعطیل جلسه بعنوان تنفس

رئیس - جلسه بعنوان تنفس ختم میشود جلسه آبه پنجشنبه ساعت هشت و نیم صبح، ساعت ۹ بزرگ زده میشود.

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

تصویر سی و نهمین جلسه

شماره ۱۱۱۶۸ ۲۲۷-۶۱۰
وزارت فرهنگ

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۷-۶-۱۳۲۷ طبق پیشنهاد شماره ۱۴۸۴ مورخ ۲۷-۶-۱۳۲۷ وزارت فرهنگ ماده ۴۵ آئین نامه اوقاف موضوع تصویرنامه شماره ۵۰۱۶ مورخ ۱۲-۴-۱۳۲۷ را باین صورت اصلاح و تصویب میکنند:

درآمد حاصله از موقوفات مشمول مواد ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ آئین نامه قانون اوقاف هر محل که بطریق ماده ۴۴ همان آئین نامه تأمین میشود پس از وضع هزینه وصول که از صدی پنج تجاوز نخواهد کرد از اول مهر ۱۳۲۷ خودشیدی بترتیب ذیل بمصرف خواهد رسید:

- ۱- مرمت و ساختن دبستان صدی ۳۵
- ۲- شیروخورشید سرخ صدی چهل
- ۳- طبع و خرید کتب مفیده صدی ۱۰
- ۴- کمک هزینه و خرید لوازم تحصیل و لباس شاگردان بی بضاعت صدی پانزده

تبصره - اگر مجلسی بر طبق مقررات قدیم از محل دیگر وام گرفته باشد بایستی قبلاً وام مذکور تأدیه و سپس بمصارف مقرر در این ماده برسد تصویرنامه در دفتر نخست وزیر است

م - ۳۵۲۸ از طرف نخست وزیر

شماره ۱۰۴۲۴ ۱۳۲۷-۶-۶
وزارت پست و تلگراف و تلفن

هیئت وزیران در جلسه سوم شهریور ماه ۲۷ در تعقیب تصویر نامه شماره ۱۷۶۶۸ مورخ ۲۷-۸-۱۳۲۶ و بنا بر پیشنهاد شماره ۶۱ - ۳۱۸۴ مورخ ۲-۶-۱۳۲۷ وزارت پست و تلگراف و تلفن که بشماره ۲۸۳۲۶-۱ مورخ ۳۱ - ۵ - ۱۳۲۷ به مراجعت قبلی وزارت دارائی نیز رسیده است تصویب نمودند که طبق مقررات آئین نامه تلفنی بین المللی که در قاهره در سال ۱۹۳۸ تجدید نظر شده و رابطه تلفنی بی سیم بین تهران و لندن و تهران و یرن با اجرای مواد ذیل بر قرار شود:

- ۱- نرخ بین تهران و لندن و بین تهران و یرن از قرار هر ۳ دقیقه ۳۶ فرانک طلا که فعلاً معادل ۳۹۶ ریال به نرخ رسمی است اخذ و بالمناصفه ۱۸ فرانک بکشور ایران و ۱۸ فرانک بکشور طرف دیگر عاید گردد.
- ۲- برای مکالمه بین شهرستانهای ایران که تلفن دولتی در آنجا هادار است از یک طرف و لندن و یا نقاط مختلف کشور سوئیس از طرف دیگر نرخ مربوط بقسمت بین شهرهای داخله ایران و تهران بر ۳۶ فرانک طلا اضافه و این مبلغ عاید کشور ایران خواهد شد.
- ۳- برای مکالمه با سایر نقاط انگلستان و نقاط مختلفه دنیا که بوسیله مرکز لندن و سایر مرکز یرن انجام خواهد شد نرخ از لندن و یا یرن بآن نقاط که بین کشورهای مربوطه متداول و معین است علاوه بر ۳۶ فرانک طلا محاسب و اضافه نرخ مذکور عاید کشورهای ذینفع میشود.

۴- برای احضار طرف در هر دفعه معادل ۳۶ فرانک طلا که فعلاً نرخ رسمی آن ۲۶۶۰ ریال میشود بر نرخ فوق اضافه خواهد شد

۵- نرخ رسمی فعلی فرانت طلا ۱۱ ریال است و مادامیکه تغییر نیافته بهمین نرخ محاسب میگردد تصویرنامه در دفتر نخست وزیر است.

م - ۳۳۹۵ از طرف نخست وزیر

شماره ۱۰۹۴۰ ۲۷-۶-۱۳۲۷
وزارت کشاورزی

هیئت وزیران در جلسه ۱۰ شهریورماه ۱۳۲۷ تصویب نمودند که کلیه وارد کنندگانی که از اول فروردین ماه ۱۳۲۷ لغایت مرداد ماه ۱۳۲۷ پروانه ارز دولتی برای ماشین آلات کشاورزی و حفاری و تهیه جهت آبیاری و تراکتور و سایر ماشین آلات و ادوات و قطعات متفرقه و یدکی آنها و دستگاه های آزمایشی و سموم مربوط برفع آفات نباتی و لوازم دامپزشکی گرفته اند از لحاظ مقررات وارد و نحوه استفاده مصرف کنندگان مشمول تصویرنامه شماره ۹۵۸۸ مورخ اول شهریورماه ۱۳۲۷ بود و باید اجازه خرید و تصرف آن بمصرف کنندگان بطوریکه در تصویرنامه مورخ اول شهریورماه ۱۳۲۷ مصرح است با رعایت مقرراتی که بوسیله وزارت کشاورزی تنظیم و بتصویب هیئت وزیران رسیده است داده شود.

تصویرنامه در دفتر نخست وزیر است

م - ۳۴۹۵ از طرف نخست وزیر

بخشنامه

شماره ۱۴۱۱۰-۱۰۵۷۶-۲۰۵۷۶
بخشنامه بکلیه داد سرا و دادگاه های جنحه

چون نظر مقنن از وضع بندب ماده ۵۹ و ماده ۵۹ مکرر قانون آئین دادرسی کیفری تسریع در رسیدگی بجرائم مشهود و جرائمی بوده که از لحاظ نوع جرم دادسرا ها می توانند زودتر رسیدگی نموده و اقامه دعوی کیفری در دادگاه بشانند البته با توجه باین موضوع رعایت مفاد بندب ماده ۵۹ بر حسب مورد و ماده ۵۹ مکرر از طرف دادسرا ها و دادگاههای جنحه التزامی خواهد بود و تخلف از آن موجب مسئولیت و لازم است کلیه دادسراها و دادگاههای جنحه رعایت مفاد مواد نامبرده را بویسته بنمایند.

م - ۳۴۳۵
وزیر دادگستری

شماره ۳۷۴-۵
اصلاح آئین نامه

نظر بماده ۲۷۶ قانون مجازات عمومی و ماده (۱۱) اصلاحی قانون کیفر عمومی مصوب ۴-۵-۲۲ موضوع زیر بشماره ۳۴ بماده سوم آئین نامه امور خلافی مصوب ۱۰۲۴ اضافه میشود.

بند ۳۴ - کسانیکه از مقررات و نظاماتیکه در حدود قوانین با تصویب مقامات صالحه از طرف شهرداری یا شهرداری تنظیم و منتشر می شود تخلف ورزند.

م - ۳۴۳۴
وزیر دادگستری

شماره ۱۸۰۲۶-۷۶۵۴-۲۷۷-۶-۱۳

آقای اسحق قاضی سردفتر سابق ازدواج و طلاق تهران

پیرو ابلاغ شماره ۲۷-۵-۵-۱۵۸۶۰-۶۰۲۴
نظر باینکه از اتهام منتسبه تبرئه شده‌اید بموجب این ابلاغ رفع تعلیق شما را از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق اعلام می‌دارد .

وزیر دادگستری

شماره ۱۸۰۲۸-۷۸۹۱-۲۷-۶-۱۳

آقای حسین شریعتی نیاسری سردفتر ازدواج نیاسر کاشان

پیرو ابلاغ شماره ۲۷-۵-۱۹-۱۰۷۶۵-۶۶۶۹
دهستان جوشقان از حدود صلاحیت شما حذف و رسمیت دفتر شما در دهستان نیاسر و مرق تعیین می‌شود
وزیر دادگستری

شماره ۱۷۵۷۰-۷۴۱۴-۱۳۲۷-۶-۸

آقای عباسعلی قائمی هشتمی سردفتر سابق ازدواج و طلاق قریه الاقیه

بموجب این ابلاغ مجدداً دفاتر شما را در قریه الاقیه هشتروند برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت می‌دهد .
وزیر دادگستری

شماره ۱۷۴۰۰-۷۰۶۹-۳۲۷-۶-۶

آقای منیرالدین محسنی

بموجب این ابلاغ دفتر شما را در قریه فریازان حومه تویسرکان برای ثبت ازدواج رسمیت می‌دهد
وزیر دادگستری

شماره ۱۷۴۲۶-۷۵۵۸-۳۲۷-۶-۶

آقای علمی شفاثیان

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم بلوک نوخندان درگز منصوب می‌شوید طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید
وزیر دادگستری

شماره ۱۸۰۳۰-۷۸۹۰-۲۷-۶-۱۳

آقای سید قاسم حسینیان

بموجب این ابلاغ دفتر شمار را در سلدوز برای ثبت ازدواج رسمیت می‌دهد .
وزیر دادگستری

شماره ۱۸۱۹۳-۷۴۸۹-۲۷-۶-۱۴

آقای حاج بابالدنی سردفتر ازدواج و طلاق قریه لندکچه کیلویه بهبهان

بموجب این ابلاغ قریه کچساران هم بحدود صلاحیت شما افزوده می‌شود
وزیر دادگستری

شماره ۱۳۴۴۷-۷۸۸۷-۲۷-۶-۱۱

آقای حسین صادقی آشتیانی دفتریار درجه اول دفتر اسناد رسمی

شماره ۸۸ تهران

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم شهری منصوب می‌شوید طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید
وزیر دادگستری

شماره ۱۷۳۹۸-۷۵۶۰-۱۳۲۷-۶-۶

آقای اسدالله ذبیحی

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم اسالم طاش منصوب می‌شوید طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید .

وزیر دادگستری

شماره ۱۰۳۴-۷۸۸۸-۱۳۲۷-۶-۱۳

آقای سید قاسم حسینیان دفتریار درجه اول و نماینده دفتر اسناد رسمی شماره ۱۱۹ تهران

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم سلدوز منصوب می‌شوید طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید

وزیر دادگستری